

نرخ تورم آذر ماه ۴۰ درصد اعلام شد

سرویس اقتصادی- نرخ تورم سالانه کشور در آذر اسامال با کاهش ۱/۱ درصدی به ۴۰ درصد، نقاط شهری کشور با کاهش یک درصدی به رقم ۴۹/۳ درصد و نرخ تورم نقاط روستایی هم با کاهش ۱/۳ درصدی به رقم ۳۳/۸ درصد رسید.

در آبان اسامال نرخ تورم کشور ۴۱/۱ درصد، نقاط شهری ۴۰/۳ درصد و نرخ تورم نقاط روستایی ۴۵/۱ درصد بود. به گزارش روابط عمومی مرکز آمار ایران، همچنین نرخ تورم نقطه‌ای آذر در مقایسه با ماه آبان ۰/۸ واحد درصد افزایش یافته است. نرخ تورم نقطه‌ای در آذر ۱۳۹۸ با رشد ۱۰ درصدی به عدد ۳۷/۸ درصد رسید، یعنی خانوارهای کشور به طور میانگین ۳۷/۸ درصد بیشتر از آذر ۱۳۹۷ برای خرید یک مجموعه خودرو و خدمات یکسان هزینه کرده اند.

نرخ تورم نقطه‌ای گروه عمده خوراکی‌ها، آشپیمانی‌ها و دخانیات، بیشترین افزایش قیمت را نسبت به ماه قبل داشته و همچنین گروه «گوشت قرمز، سفید و فرآورده آنها» (گوشت گاو، گوشت گوسفند، مرغ ماشینی) گروه «روغن و خوراکی‌های طبه‌بندی نشده در جای دیگر» (رب گوجه فرنگی) نسبت به ماه قبل کاهش قیمت داشته است. بر اساس این گزارش، دامنه تغییرات نرخ تورم مسالانه در آذر ۱۳۹۸ – برسای دهک‌های مختلف هزینه‌ای در ۳۹۶/۴ درصد برای دهک اول تا ۴۱/۶ درصد برای افزایش داشته است.

پروازهای داخلی از سوی شرکت‌های هواپیمایی ماهان و هما از مبدأ فرودگاه بین‌المللی امام‌خمینی از اول بهمن آغاز خواهد شد.

این مطلب بیروز در مراسم تودیع و معارفه مدیران عامل جدید و جانشینان فرودگاهی امام خمینی که با حضور وزیر راه و شهرسازی برگزار شد، اعلام شد. به گزارش خبرنگار ما، مهندس محمد اسلامی وزیر راه و شهرسازی در این مراسم با اشاره به ضرورت تسریع در توسعه فعالیت‌ها و کارکردهای فرودگاه بین‌المللی امام گفت: این مجموعه دارای کارکرد فرودگاهی، طرح توسعه و منطقه آزاد تجاری است که باید به سرعت نقشه راه سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در این محدوده تدوین شود. وزیر راه و شهرسازی ادامه داد: شهر فرودگاهی بین‌المللی ما به‌عنوان تنها منطقه آزاد تجاری در جنوب تهران نقطه‌ای مستعد برای سرمایه‌گذاری در تمام زمینه‌های تجاری، صنعتی و خدماتی است. از این رو، تغییرات مدیریتی جدید به این روند سرعت خواهد داد. وی ادامه داد: با انتصاب مدیرعامل جدید در این مجموعه زمینه بازگری در طرح جامع این فرودگاه با اولویت احداث ترمینال جدید در یک افق ۳۰ ساله فراهم می‌شود.

وزیران حال وزیر راه و شهرسازی درحاشیه نوبت سوم بدینوسیله به اطلاع می‌رساند نام انتشارات موسسه مطالعاتی و انتشاراتی صادق آل محمد (ع) به شماره پروانه ۵۱۴۹ و مدیریت آقای تقی آقا علی به انتشارات انوار الصادقین وابسته به مؤسسه مطالعاتی و انتشاراتی صادق آل محمد (ع) تغییر یافت.

فرودگاه بین‌المللی امام خمینی

فرودگاه بین‌المللی امام خمینی

فرودگاه بین‌المللی امام خمینی

فرودگاه بین‌المللی امام خمینی

فرودگاه بین‌المللی امام خمینی

فرودگاه بین‌المللی امام خمینی

فرودگاه بین‌المللی امام خمینی

فرودگاه بین‌المللی امام خمینی

فرودگاه بین‌المللی امام خمینی

فرودگاه بین‌المللی امام خمینی

فرودگاه بین‌المللی امام خمینی

فرودگاه بین‌المللی امام خمینی

فرودگاه بین‌المللی امام خمینی

فرودگاه بین‌المللی امام خمینی

فرودگاه بین‌المللی امام خمینی

فرودگاه بین‌المللی امام خمینی

فرودگاه بین‌المللی امام خمینی

فرودگاه بین‌المللی امام خمینی

فرودگاه بین‌المللی امام خمینی

فرودگاه بین‌المللی امام خمینی

فرودگاه بین‌المللی امام خمینی

فرودگاه بین‌المللی امام خمینی

فرودگاه بین‌المللی امام خمینی

فرودگاه بین‌المللی امام خمینی

فرودگاه بین‌المللی امام خمینی

فرودگاه بین‌المللی امام خمینی

فرودگاه بین‌المللی امام خمینی

فرودگاه بین‌المللی امام خمینی

فرودگاه بین‌المللی امام خمینی

فرودگاه بین‌المللی امام خمینی

فرودگاه بین‌المللی امام خمینی

فرودگاه بین‌المللی امام خمینی

فرودگاه بین‌المللی امام خمینی

فرودگاه بین‌المللی امام خمینی

فرودگاه بین‌المللی امام خمینی

فرودگاه بین‌المللی امام خمینی

فرودگاه بین‌المللی امام خمینی

فرودگاه بین‌المللی امام خمینی

فرودگاه بین‌المللی امام خمینی

فرودگاه بین‌المللی امام خمینی

فرودگاه بین‌المللی امام خمینی

فرودگاه بین‌المللی امام خمینی

فرودگاه بین‌المللی امام خمینی

فرودگاه بین‌المللی امام خمینی

فرودگاه بین‌المللی امام خمینی

فرودگاه بین‌المللی امام خمینی

فرودگاه بین‌المللی امام خمینی

فرودگاه بین‌المللی امام خمینی

فرودگاه بین‌المللی امام خمینی

فرودگاه بین‌المللی امام خمینی

فرودگاه بین‌المللی امام خمینی

فرودگاه بین‌المللی امام خمینی

فرودگاه بین‌المللی امام خمینی

فرودگاه بین‌المللی امام خمینی

فرودگاه بین‌المللی امام خمینی

فرودگاه بین‌المللی امام خمینی

فرودگاه بین‌المللی امام خمینی

فرودگاه بین‌المللی امام خمینی

فرودگاه بین‌المللی امام خمینی

فرودگاه بین‌المللی امام خمینی

فرودگاه بین‌المللی امام خمینی

فرودگاه بین‌المللی امام خمینی

فرودگاه بین‌المللی امام خمینی

فرودگاه بین‌المللی امام خمینی

فرودگاه بین‌المللی امام خمینی

فرودگاه بین‌المللی امام خمینی

فرودگاه بین‌المللی امام خمینی

فرودگاه بین‌المللی امام خمینی

فرودگاه بین‌المللی امام خمینی

فرودگاه بین‌المللی امام خمینی

فرودگاه بین‌المللی امام خمینی

فرودگاه بین‌المللی امام خمینی

فرودگاه بین‌المللی امام خمینی

فرودگاه بین‌المللی امام خمینی

فرودگاه بین‌المللی امام خمینی

فرودگاه بین‌المللی امام خمینی

فرودگاه بین‌المللی امام خمینی

فرودگاه بین‌المللی امام خمینی

فرودگاه بین‌المللی امام خمینی

فرودگاه بین‌المللی امام خمینی

فرودگاه بین‌المللی امام خمینی

فرودگاه بین‌المللی امام خمینی

فرودگاه بین‌المللی امام خمینی

فرودگاه بین‌المللی امام خمینی

فرودگاه بین‌المللی امام خمینی

فرودگاه بین‌المللی امام خمینی

فرودگاه بین‌المللی امام خمینی

فرودگاه بین‌المللی امام خمینی

فرودگاه بین‌المللی امام خمینی

فرودگاه بین‌المللی امام خمینی

فرودگاه بین‌المللی امام خمینی

فرودگاه بین‌المللی امام خمینی

فرودگاه بین‌المللی امام خمینی

فرودگاه بین‌المللی امام خمینی

فرودگاه بین‌المللی امام خمینی

فرودگاه بین‌المللی امام خمینی

فرودگاه بین‌المللی امام خمینی

فرودگاه بین‌المللی امام خمینی

فرودگاه بین‌المللی امام خمینی

فرودگاه بین‌المللی امام خمینی

فرودگاه بین‌المللی امام خمینی

فرودگاه بین‌المللی امام خمینی

فرودگاه بین‌المللی امام خمینی

فرودگاه بین‌المللی امام خمینی

فرودگاه بین‌المللی امام خمینی

فرودگاه بین‌المللی امام خمینی

فرودگاه بین‌المللی امام خمینی

فرودگاه بین‌المللی امام خمینی

فرودگاه بین‌المللی امام خمینی

فرودگاه بین‌المللی امام خمینی

فرودگاه بین‌المللی امام خمینی

فرودگاه بین‌المللی امام خمینی

فرودگاه بین‌المللی امام خمینی

فرودگاه بین‌المللی امام خمینی

فرودگاه بین‌المللی امام خمینی

فرودگاه بین‌المللی امام خمینی

فرودگاه بین‌المللی امام خمینی

فرودگاه بین‌المللی امام خمینی

فرودگاه بین‌المللی امام خمینی

فرودگاه بین‌المللی امام خمینی

فرودگاه بین‌المللی امام خمینی

فرودگاه بین‌المللی امام خمینی

فرودگاه بین‌المللی امام خمینی

فرودگاه بین‌المللی امام خمینی

فرودگاه بین‌المللی امام خمینی

فرودگاه بین‌المللی امام خمینی

فرودگاه بین‌المللی امام خمینی

فرودگاه بین‌المللی امام خمینی

فرودگاه بین‌المللی امام خمینی

فرودگاه بین‌المللی امام خمینی

فرودگاه بین‌المللی امام خمینی

فرودگاه بین‌المللی امام خمینی

فرودگاه بین‌المللی امام خمینی

فرودگاه بین‌المللی امام خمینی

فرودگاه بین‌المللی امام خمینی

فرودگاه بین‌المللی امام خمینی

فرودگاه بین‌المللی امام خمینی

فرودگاه بین‌المللی امام خمینی

فرودگاه بین‌المللی امام خمینی

فرودگاه بین‌المللی امام خمینی

فرودگاه بین‌المللی امام خمینی

فرودگاه بین‌المللی امام خمینی

فرودگاه بین‌المللی امام خمینی

فرودگاه بین‌المللی امام خمینی

فرودگاه بین‌المللی امام خمینی

فرودگاه بین‌المللی امام خمینی

فرودگاه بین‌المللی امام خمینی

فرودگاه بین‌المللی امام خمینی

فرودگاه بین‌المللی امام خمینی

فرودگاه بین‌المللی امام خمینی

فرودگاه بین‌المللی امام خمینی

فرودگاه بین‌المللی امام خمینی

فرودگاه بین‌المللی امام خمینی

فرودگاه بین‌المللی امام خمینی

فرودگاه بین‌المللی امام خمینی

فرودگاه بین‌المللی امام خمینی

فرودگاه بین‌المللی امام خمینی

فرودگاه بین‌المللی امام خمینی

فرودگاه بین‌المللی امام خمینی

فرودگاه بین‌المللی امام خمینی

فرودگاه بین‌المللی امام خمینی

فرودگاه بین‌المللی امام خمینی

فرودگاه بین‌المللی امام خمینی

فرودگاه بین‌المللی امام خمینی

فرودگاه بین‌المللی امام خمینی

فرودگاه بین‌المللی امام خمینی

فرودگاه بین‌المللی امام خمینی

فرودگاه بین‌المللی امام خمینی

فرودگاه بین‌المللی امام خمینی

فرودگاه بین‌المللی امام خمینی

فرودگاه بین‌المللی امام خمینی

فرودگاه بین‌المللی امام خمینی

فرودگاه بین‌المللی امام خمینی

فرودگاه بین‌المللی امام خمینی

به پائین جامعه هستند، در قالب طرح مسکن ملی جای خواهند گرفت.

وی گفت: نکته مهم دیگر این که اراضی انتخاب شده برای اجرای پروژه های مسکن ملی در مناطق آباد خواهد بود تا محیطی که در آن مسکن ساخته می‌شود، حتما زیرساخت‌های شهری را داشته باشد.

وزیر راه و شهرسازی گفت: در حوزه تسهیلات برای مسکن کار گران هم خوشبختانه وزارت تعاون،

وزیر راه و شهرسازی

مرکز ارتباطات و اطلاع رسانی

امضاء تقاهم نامه همکاری در حوضه های

ت راه و شهرسازی

امضاء تقاهم نامه همکاری در حوضه های

ت راه و شهرسازی

امضاء تقاهم نامه همکاری در حوضه های

ت راه و شهرسازی

امضاء تقاهم نامه همکاری در حوضه های

کار و رفساء اجتماعی از ظرفیت های بانک های عامل در حوزه کار و راه و شهرسازی استفاده خواهد کرد، همچنین صندوق تأمین اجتماعی و صندوق بازنشستگی کشور بخشی از منابع خود را به طرح مسکن کارگران، مستمزی بگیران و بازنشستگان اختصاص می دهند.

اسلامی با تأکید بر این که متقاضیانی که در شرایط از ظرفیت مسکن ملی واجد شرایط نیستند و در گذشته از تسهیلات و امکانات دولتی استفاده کرده اند، از شمول دریافت مسکن در این طرح خارج می شوند، اضافه کرد: واگذاری پروژه‌ها در این طرح منلی با اولویت دهک هـا خواهد بود؛ به نحوی که دهک های یکم تا سوم از طرح سازمان های حمایتی مورد پشتیبانی قرار می گیرند و دهک های چهارم تا هفتم که اقشار متوسط

وزیر راه و شهرسازی

امضاء تقاهم نامه همکاری در حوضه های

ت راه و شهرسازی

امضاء تقاهم نامه همکاری در حوضه های

ت راه و شهرسازی

امضاء تقاهم نامه همکاری در حوضه های

ت راه و شهرسازی

امضاء تقاهم نامه همکاری در حوضه های

ت راه و شهرسازی

امضاء تقاهم نامه همکاری در حوضه های

ت راه و شهرسازی

امضاء تقاهم نامه همکاری در حوضه های

ت راه و شهرسازی

امضاء تقاهم نامه همکاری در حوضه های

ت راه و شهرسازی

امضاء تقاهم نامه همکاری در حوضه های

ت راه و شهرسازی

امضاء تقاهم نامه همکاری در حوضه های

ت راه و شهرسازی

امضاء تقاهم نامه همکاری در حوضه های

ت راه و شهرسازی

امضاء تقاهم نامه همکاری در حوضه های

ت راه و شهرسازی

امضاء تقاهم نامه همکاری در حوضه های

ت راه و شهرسازی

امضاء تقاهم نامه همکاری در حوضه های

ت راه و شهرسازی

امضاء تقاهم نامه همکاری در حوضه های

ت راه و شهرسازی

امضاء تقاهم نامه همکاری در حوضه های

ت راه و شهرسازی

امضاء تقاهم نامه همکاری در حوضه های

ت راه و شهرسازی

امضاء تقاهم نامه همکاری در حوضه های

ت راه و شهرسازی

امضاء تقاهم نامه همکاری در حوضه های

ت راه و شهرسازی

امضاء تقاهم نامه همکاری در حوضه های

ت راه و شهرسازی

امضاء تقاهم نامه همکاری در حوضه های

ت راه و شهرسازی

امضاء تقاهم نامه همکاری در حوضه های

ت راه و شهرسازی

امضاء تقاهم نامه همکاری در حوضه های

ت راه و شهرسازی

امضاء تقاهم نامه همکاری در حوضه های

ت راه و شهرسازی

امضاء تقاهم نامه همکاری در حوضه های

ت راه و شهرسازی

امضاء تقاهم نامه همکاری در حوضه های

ت راه و شهرسازی

امضاء تقاهم نامه همکاری در حوضه های

ت راه و شهرسازی

امضاء تقاهم نامه همکاری در حوضه های

ت راه و شهرسازی

امضاء تقاهم نامه همکاری در حوضه های

ت راه و شهرسازی

امضاء تقاهم نامه همکاری در حوضه های

ت راه و شهرسازی

امضاء تقاهم نامه همکاری در حوضه های

ت راه و شهرسازی

امضاء تقاهم نامه همکاری در حوضه های

ت راه و شهرسازی

امضاء تقاهم نامه همکاری در حوضه های

ت راه و شهرسازی

امضاء تقاهم نامه همکاری در حوضه های

ت راه و شهرسازی

امضاء تقاهم نامه همکاری در حوضه های

ت راه و شهرسازی

امضاء تقاهم نامه همکاری در حوضه های

ت راه و شهرسازی

امضاء تقاهم نامه همکاری در حوضه های

ت راه و شهرسازی

امضاء تقاهم نامه همکاری در حوضه های

ت راه و شهرسازی

امضاء تقاهم نامه همکاری در حوضه های

ت راه و شهرسازی

امضاء تقاهم نامه همکاری در حوضه های

آلودگی اسمال هوای کلانشهرهای کشور، رکوردهای قبلی را تکان داد و شاخص ناسالمی هوا در پایتخت به عدد ۲۰۰ نزدیک شد. این آلودگی پنهان ناشدنی، چنان بود که روزهای متعدای مراکز آموزشی تعطیل شدند تا شاید اندکی از آن کاسته شود. شرایط به ویژه در تهران، به گونه‌ای بود که به قول معروف، چشم جشم را نمی‌دید؛ دود و غبار چون هم روی پایتخت خیمه زده و راه تنفس را بر شهروندان تنگ کرده بود.

این اوضاع، بار دیگر موضوع آلودگی هوا و دلایل آن مورد توجه قرار داد و از مسئولان عالی رتبه تا شهروندان هر کدام به فراخور نوع درگیری خود با آلودگی، علتی برای

آلودگی هوا یافته‌اند. عدم توجه لازم به تولید و واردات خودروهای برقی یکی از مواردی است که در موضوع آلودگی مورد توجه قرار گرفت. حال باید دید این راهکار چقدر می‌تواند موثر واقع شود.

دلایل آلودگی

طبیعتاً موضوعی چون آلودگی هوای شهرهای کشور تک عاملی نیست و طیف بزرگی از علت‌ها را می‌توان برای آن بررسی کرد. مسئله‌ای که به عنوان دلیل اصلی آلودگی هوا برشمرده می‌شود، موضوع وارونگی هواست. اما باید بدانیم وارونگی هوا، دلیل شرایطی است که هفته پیش در کشور پیش آمده بود و نه دلیل آلودگی به عبارت دیگر، آلودگی هوا ۳۶۵ روز در سال وجود دارد و وارونگی موقت هوا در فصول سرد، آن را نمایان می‌سازد.

ساخت و سازهای بهت آور در مناطق غربی تهران که قرار بود مانند یادگیر به جریان هوای پایتخت کمک کنند، یکی از دلایلی است که بسیاری از کارشناسان بر آن تاکید دارند. این مناطق از دهه‌ها پیش در طرح تفصیلی شهر تهران، به عنوان مناطق غیر قابل سکونت شناخته شده بود.

کیفیت سوخت از دیگر احتمالاتی است که برخی از کارشناسان به آن سوء ظن دارند، از جمله حمیدرضا میرزاده، کارشناس محیط زیست که معتقد است مرکزی مستقل در دانشگاه شهر تهران، به عنوان مناطق غیر قابل خود وزارت نفت در مورد کیفیت آن خبر بدهد. البته این کارشناس مستقل محیط زیست، بالا رفتن کیفیت بنزین طی سال‌های گذشته را قطعی می‌داند، اما می‌گوید: جزئیات کیفیت بنزین را هیچکس به جز خود وزارت نفت نمی‌داند.

از طرفی بسیاری بر این باورند که مصرف بالای بنزین راه را بر هر راهکاری بسته است و حتی در صورتی که همه این موارد اصلاح شود، باز هم با این شکل مصرف، مقادیر قابل ملاحظه‌ای آلودگی خواهیم داشت. در واقع می‌توان گفت اکثر قریب به اتفاق کارشناسان، راه‌حل اساسی و بنیادین مقابله با آلودگی هوا را کاهش مصرف عجیب و غریب بنزین در کشور

می‌دانند.

راهکاری که طبیعتاً از بسیاری دیگر از روش‌ها مشکل‌تر و پرحاشیه‌تر است.

آلودگی هوا مختص تهران یا شهرهای دیگر کشور ما نیست. همه جای دنیا با حضور جمعیت‌های میلیونی آلودگی هوای حاصل از سوخت‌های فسیلی، به ویژه سوخت خودروها وجود داشته و دارد. تحقیقات مشخص کرده که آلودگی هوای کلانشهرها ارتباط مستقیم و واضحی با میزان مصرف بنزین دارد. این رقم برای تهران تا ۸۵ درصد در نظر گرفته شده است. به عبارت ساده تر، ۸۵ درصد آلودگی هوای تهران، از آگزوز خودروها بیرون می‌آید.

با تاکید بر اینکه راهکار ریشه‌ای و اساسی حل مشکل آلودگی هوا، کنترل مصرف به انحاء مختلف از جمله توسعه حمل و نقل شهری است، به یکی دیگر از مواردی که می‌تواند در کنترل آلودگی هوا موثر باشد و در عین حال سرمایه گذاری صنعت برای آینده هم محسوب می‌شود می‌پردازیم.

برق به جای فسیل

شاید بتوان با اطمینان گفت بزرگترین و مهمترین برنامه‌ای که خودروسازان در سراسر دنیا مشغول آنند، تولید موتورهای الکتریکی و بهینه کردن آنهاست و به طور روزانه اخبار جدیدی در مورد پیشرفت‌های صورت گرفته در این زمینه منتشر می‌شود. تولید و گسترش موتورهای الکتریکی خودروها برای دولت‌ها هم از اهمیت متمایز برخوردار است و تقریباً در همه جای دنیا، دولت‌ها برای این منظور تسهیلاتی را به خودروسازان اعطا می‌کنند. آنچه دولت‌ها را بر آن می‌دارد تادر تولید خودروهای الکتریکی سرمایه گذاری کنند، قبل از هر چیز، حفاظت از محیط زیست و مقابله با آلودگی هواست، برای همین بسیار مهم است که تحقیقات جدی و جامعی در مورد میزان کاهش آلودگی هوا در صورت استفاده از خودروهای برقی صورت بگیرد. در این میان مهمترین چالش، خود برق است، باید دید آیا برق تولید شده برای شارژ باتری‌های خودروهای برقی، برق پاک محسوب می‌شود.

برق پاک

برق پاک به برقی گفته می‌شود که از ژئراتورهایی با سوخت‌های غیر فسیلی حاصل می‌شود. به عبارت برقی پاک است که برای تولید آن، گازهای گلخانه‌ای و دی اکسید کربن به محیط وارد نشود.

برقی‌های تولید شده توسط نیروگاههای برقابی و سدها پاک‌ترین برق شناخته شده‌اند. پس از آن برق تولیدی نیروگاه‌های هسته‌ای است که علی‌رغم مشکلات ریز و درشتشان برق پاک محسوب می‌شوند. در این دو مورد، هیچ گازی گلخانه‌ای وارد زمین نمی‌شود و محصول آن محصولی مطابق با معیارهای محیط زیستی است.

در این میان آنچه موجب شگفتی است رویکرد خودروسازان کشور ماست. در حالی که مسابقه بزرگی میان خودروسازان بر سر تولید خودروهای برقی وجود دارد، در ایران خودروسازان به دنبال موتورهای دیزلی و یا گازسوز کردن خودروها هستند. رویکردی که با شرایط آلودگی هوا در کشورمان هیچ نسنبت ندارد.

دلایل زیادی برای این رویکرد خودروسازان عنوان می‌شود، در این میان، تنها دلیلی که می‌توان آن را قابل بررسی دانستست، آلودگی خودروی الکتریکی با برق فسیلی است. به عبارتی، اگر قرار بر این باشد که خودروی برقی به کاهش آلودگی هوا کمک کند، برق

کمک می‌کند یا نه، انجام شده است. این موضوع وابستگی زیادی دارد به اینکه بدانیم منبع تولید برق در کشور ما چیست و اینکه اگر قرار باشد مصرف برق به واسطه اضافه شدن مصرف کننده‌های مثل خودرو بیشتر شود، برق مورد نیاز از چه منابعی تامین خواهد شد و این میزان افزایش در صورتی که مثلاً فلان درصد خودروها، الکتریکی شوند چقدر خواهد بود.

میزاده ضمن برشمردن مشکلات شبکه برق توضیح می‌دهد: الان مشکل مهمی‌که در م‌سورد خودروهای برقی وجود دارد همین است. در حال حاضر تولید برقی که ما برای مصرف عمومی‌که در کشور داریم، مصارف خانگی و

است. طبیعتاً شبکه‌ما جوابگوی این مشتری جدید نیست. می‌رزاده تاکید می‌کند: برای خودروهای تمام برقی که با برق شارژ می‌شود، این شرایط را نداریم و معلوم نیست بتوانیم بدون بالا بردن جدی توان شبکه تغییر مهمی‌در نوع مصرف سوخت بدهیم.

خودروهای هیبریدی

برخی از انواع خودروهای برقی، دوگانه یا هیبریدی هستند. این خودروهای هم با بنزین و هم با الکتریسیته کار می‌کنند. هنگامی که خودروی هیبریدی در حال استفاده از بنزین است، همزمان باتری خود را نیز شارژ می‌کند. سنوالی که پیش می‌آید،

خودروی های بنزینی و دیزلی متهمان آلودگی مرگبار



تولید شده بایستی از منابع غیر فسیلی تولید ش‌سود. باید دید آیا در کشور ما چنین امکانی وجود دارد یا نه؟ حمیدرضا میرزاده، کارشناس محیط زیست در این باره می‌گوید: برداشته شود، حالا فرض کنید بخواهیم منبع پر خور دیگری برای مصرف برق ایجاد کنیم که همان خودروی مصرف برق

می‌سوزد تا باتری شارژ شود تا برای یک مسافت کوتاهی بدون سوخت میسرآید. تاکید می‌کنند: برای هم تغییر معاداری در مصرف سوخت و کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای و گازهای آلاینده نمی‌دهد. مقدار صرفه‌جویی شده، تغییر ویژه‌ای نیست که بشود روی آن حساب کرد.

وی می‌افزاید: خودروی برقی در نو ترفته، در عمل فشار مضاعفی است که به شبکه برق ما با بنزین و مصرف بیشتر سوخت‌های فسیلی برای تولید برق، نتیجه آن است.

تولید برق از سوخت‌های فسیلی یعنی انتشار آلاینده‌ها در یک نقطه مشخص، در حالی که وقتی سوخت خودرو است، آلودگی توزیع می‌شود. به علاوه اینکه گازهای گلخانه‌ای که در کشور ما جزو ۱۰ درصد در انتشار این گازهاست، برای خود ماجراهای زیادی دارد.

میزاده ادامه می‌دهد: تحقیقات زیادی در این مورد شده است که نشان می‌دهد خودروی برقی فقط منبع آلودگی را جابجا می‌کند. یا به عبارت دیگر، منبع آلودگی را از جلوی چشم‌ما دور می‌کند و آن را از مقابل دیدگان‌ما به جای دیگر منتقل می‌کند.

این کارشناس محیط زیست، سپس به آلودگی‌های ناپیدای دیگر خودروی برقی اشاره می‌کند و می‌افزاید: در مورد آلودگی خودروهای برقی موضوعی که کمتر کسی به آن توجه دارد نحوه بازیافت آنهاست. وقتی ما از خودروی برقی استفاده می‌کنیم، از سوخت فسیلی‌ظاهرا استفاده می‌شود. اما این خودروها از باتری‌هایی استفاده می‌کنند

این نوع خودروها وجود ندارد، مطرح کردن خودروی برقی نه تنها مفید نیست، بلکه خیلی خطرناک است.

چه باید کرد؟

قبول واقعیت آلودگی هوا و تحقیق دقیق و جامع در مورد آن، شروع مناسبی برای مبارزه با آن و تلاش برای کاهش آلودگی‌هاست. واقعیت آلودگی هوا و منشأ اصلی آن طی سال‌های اخیر برای همه ما مسلج است. راهکارها یکی پس از دیگری باید به محک کارشناسی سپرده شود تا در نهایت راهکارهای قابل اجرا و اساسی و حتما بلند مدت، اجرایی شود. با علم به اینکه بیش از ۸۰ درصد آلودگی‌های شهری ما مربوط به خودروهاست و با وجود مشکلاتی که خودروهای برقی در کشور ما می‌توانند ایجاد کنند، به نظر می‌رسد راه درست و دقیق، ایجاد زیرساخت‌های لازم برای تولید موتورهای برقی است. برای این کار لازم است رویکرد صنعت برق ما به سمت برق پاک و نیروگاه‌های برقابی و هسته‌ای باشد.

اما در نهایت واقعیت آلودگی هوا، همان واقعیت همیشگی است که هر کدام از ما به فراخور نیاز روزمره امان سعی در پنهان کردن آن داریم: مصرف بی رویه، مصرف بیش از ۱۰۰ میلیون لیتر بنزین در کشوری ۸۰ میلیونی اعجاب‌انگیز است. سرانه مصرف ما حتی از سرانه کشوری مثل چین بسیار بالاتر است در حالی که در چین، عمده مصرف بنزین با ارزش افزوده همراه است.

این قیاس در مورد ترکیه نیز صادق است و تنها چند کشور بزرگ



*** برق پاک به برقی گفته می‌شود که از ژئراتورهایی با سوخت‌های غیر فسیلی حاصل می‌شود**

*** حمیدرضا میرزاده، کارشناس محیط زیست: لازم است بدانیم منبع تولید برق در کشور ما چیست و اینکه اگر قرار باشد مصرف برق به واسطه اضافه شدن مصرف‌کننده‌هایی مثل خودرو بیشتر شود، برق مورد نیاز از چه منابعی تامین خواهد شدو چقدر از آن منابع فسیلی است**



صنعتی هستند که سرانه مصرف بنزین آنها بیشتر از ایران است. باید توجه داشت در کشورهای صنعتی، بنزین در بخش خدمات وابسته به صنعت مصرف می‌شود و تاثیر مستقیمی بر تولید ناخالص ملی آن کشورها دارد. از این رو نباید مصرف نه چندان مقرون به صرفه داخلی را با آن کشورهایی که سرانه بیشتری دارند قیاس کرد. راهکار کاهش مصرف بنزین نیز مشخص است. واقعی و آزاد شدن قیمت بنزین، حتی با وجود سختی‌ها و فشارهایی که به جامعه می‌آید، راهکاری ناگزیر و محتوم است که به نظر می‌رسد روزی باید اجرایی شود.

سجاد تبریزی

دوشنبه ۲ دی ۱۳۹۸- ۲۶ ربیع الثانی ۱۴۴۱- ۲۳ دسامبر ۲۰۱۹- سال نود و چهارم- شماره ۲۷۴۵۷

آیا خودروهای برقی به کاهش آلودگی کمک می‌کنند؟

موافقان واردات خودروهای برقی ادعا می‌کنند که واردات آزادانه این خودروها می‌تواند منجر به کاهش آلودگی محیط زیست شود، حال باید بررسی کرد که این ادعا چقدر واقعیت دارد؟ بررسی‌های کارشناسی نشان می‌دهد که توسعه خودروهای برقی به دو دلیل در کشور در شرایط فعلی ممکن نیست، اولاً با توجه به هزینه پایین سوخت بنزین و گازوئیل و همچنین هزینه بالای تعمیر و نگهداری قطعات الکتریکی، صاحبان خودرو ترجیح می‌دهند که خودرو با سوخت بنزینی مصرف کنند. ثانیاً قیمت متوسط خودروهای هیبریدی و برقی حدود ۳۰ هزار دلار است که در صورت واردات آزادانه به کشور، حداقل ۲۵۰ میلیون تومان برای خرید آن باید پرداخت کرد. این درحالی است که خودروها پرمصرف در بازه قیمتی ۵۰ میلیون خریداری می‌شود و قدرت خرید این خودروها برای عموم مردم وجود ندارد.

بنابراین ادعای کاهش مصرف سوخت‌های بنزینی و به تبع آن کاهش آلودگی‌های محیط زیست از جمله کاهش آلودگی هوا با توجه به دلایل مذکور رد می‌شود. اما سؤال بنیادی‌تر که بسیاری از دانشمندان علم محیط زیست به‌دنبال جواب آن هستند و در این مساله همچنان اجماع دقیقی وجود ندارد، این است که آیا خودروهای الکتریکی به‌طور قطعی آلودگی محیط زیست را کاهش می‌دهند؟ تحقیقات گسترده‌ای در این‌خصوص در جهان توسط دانشمندان علم محیط زیست انجام شده که نه‌تنها این ادعا را رد می‌کنند بلکه آلایندهی بیشتر توسعه این خودروها در محیط زیست انسانی را مطرح می‌کنند. برخی کارشناسان معتقدند که کاهش محسوس آلودگی هوا ناشی از کاهش مصرف سوخت بنزین و دیزل بعد از مدت زمان طولانی اتفاق می‌افتد که عملاً فایده‌ای نخواهد داشت.

به‌طوری‌که مطابق نتیجه یکی از تحقیقات صورت‌گرفته در این زمینه، نقطه سربه‌سری که استفاده از خودروهای هیبریدی نسبت به خودروهای بنزینی آلودگی کمتری پیدا می‌کند، پیمایش ۱۶۰ هزار مایلی است. این پیمایش حدوداً معادل ۲۶۰ هزار کیلومتر است که با توجه به پیمایش متوسط سالانه ۱۵ هزار کیلومتر خودروهای سوار به این‌ها بعد از حدود ۱۵ سال رانندگی حاصل می‌شود. سوازی در برخی دانشمندان و کارشناسان علم محیط زیست با بررسی دقیق‌تر معتقدند هرچند این نوع خودروها درظاهر باعث کاهش آلودگی‌های محیط زیست می‌شوند، اما آلودگی‌هایی در فرایند ساخت و مصرف آن‌ها ایجاد می‌شود که در معرض دید عموم نیست، به عبارت دیگر تولید خودروهای الکتریکی تنها آلودگی‌ها را از مکانی به مکان دیگر منتقل می‌کند و چه بسا این آلودگی‌ها بیشتر هم باشد.

دومین مساله این است که موتور الکتریکی این خودروها از باتری استفاده می‌کند و باتری‌ها معمولاً برپایه فلزاتی چون نیکل، کبالت و لیتیم است که فرایند استخراج این فلزات به شدت محیط زیست را تخریب می‌کند. در برخی روش‌ها برای رسیدن به مواد مورد نظر، خاک با مواد اسیدی شسته شده تا مواد اضافی آن جدا شود و فلز مورد نظر باقی بماند. این عملیات به محیط زیست صدمات جبران ناپذیری وارد می‌کند.

سومین مورد، در فرایند ساخت خودرو نیز به دلیل اینکه این خودروها انرژی بیشتری نسبت به خودروهای معمولی دارند، هزینه و انرژی بیشتری برای ساخت آن‌ها صرف می‌کند شد که به تبع مصرف انرژی بیشتر، آلودگی بیشتری به محیط زیست وارد می‌شود.

مورد بعدی، مطابق نتایج تحقیقات، خودروهای الکتریکی گازهای گلخانه‌ای به نسبت کمتری تولید می‌کند که مطابق استاندارد آلاینده‌های معیار هوا، این گازها اصلاً جز گازهای آلاینده هوا محسوب نمی‌شوند. از طرفی با توجه به به‌کارگیری برخی فلزات سنگین خاص در این خودروها، تولید ذرات معلق در این خودروها با دیگر خودروها تفاوت چندانی ندارد. شایان ذکر است مطابق بررسی‌های دقیق علمی، ذرات معلق عامل اصلی آلودگی هوای کلانشهرها محسوب می‌شوند.

بنابراین ادعای مطرح شده با واقعیت مساله فرسنگ‌ها فاصله دارد و این سؤال همچنان پابرجاست که چرا اصرار بر روی این ماده وجود دارد؟

هرچند ادعای کاهش آلودگی‌های محیط زیست به وسیله توسعه این خودروها رد شده است، اما در صورتی‌که فرض شود توسعه این خودروها باعث کاهش آلودگی‌های محیط زیست می‌شود، سؤال اینجاست که چرا برای تولید داخلی این خودروها در کشور طرحی نوشته نمی‌شود؟

منبع:ایرنا

شرکت سیمان مازندران (سهامی عام) اطلاعیه توزیع اوراق جدید سهام

به اطلاع کلیه سهامداران محترم شرکت سیمان مازندران (سهامی عام) به شماره ثبت ۹ می‌رساندد برپای نهایی شدن مراحل ثبت افزایش سرمایه از مبلغ ۲,۳۳۰,۰۰۰ (میلیون ریال) به ۱,۶۴۴,۰۰۰ (میلیون ریال) در آذرماه ۱۳۹۸نداداره ثبت‌شهرکتها،کلیه‌اوراق جدیدیاشی از افزایش سرمایه دراجرای ماده(۵)دستورالعمل ثبت‌سپرده گذاری ، تسویه و پایایی مصوب ۱۳۸۸/۰۵/۱۲سازمان بورس و اوراق بهادار نزد شرکت سپرده گذاری مرکزی اوراق بهادار وتسویه وجوه سپرده گردیده وگواهینامه نقل وانتقال سهام منتشرشده قبلی اذرجه اعتبار ساقط می‌باشد. سهامداران محترم بانماینده‌گان قانونی ایشان باهمراه داشتن کارت شناسایی معتبر حسب مورد ارائه وکالت نامه محضری می‌توانند جهت دریافت گواهینامه مالکیت جدید ناشی ازافزایش سرمایه خود همه روزه به جز پنجشنبه‌ها وایام تعطیل از ساعت ۹ صبح الی ۱۴ به‌واحداموور سهامداران شرکت واقع در مازندران- تکاقریه آبلوشرکت سیمان مازندران (سهامی عام) وواحداوموالی (آقای قلندری) مراجعه فرمایند.

هیات مدیره شهرکت سیمان مازندران (سهامی عام)

جدول

افقی:	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱- کتابی از جلال‌الدین همای، محقق و ادیب ایرانی	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۲- اصطلاح موسیقی -رودی در استان های فارس	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۳- ووشهر - از جهات اربعه	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۴- تمدن های باستانی	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۵- آنها - همگی و نظیر - سنگ های قیمتی	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۶- زده باشد - مهران و بخشانده - تکرار حرف خوردنی	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۷- هم آواز - به طو رکلی - انگبین - عسل	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۸- ماه گارگی - سالخورده - اکون - دندان فیل	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۹- بدبوی - پر خاصیت - بندر - محل دریافت	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱۰- باز سناوند - پسوند فرنگی برخی کشورها - چهار پایک که خوب راه نمی رود	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱۱- تصدیق زرم‌ها - بی آبرو - مرورایه سیاه پخ‌ر	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱۲- نامه -مکتوب - دخترک بتم و داستان ویکتور هوگو - بخشیدن بلاعوض	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱۳- زاری کان - صدایی در موسیقی - پایتخت	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱۴- سویی - یازده	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱۴- موش کاپیوتری - اصلی ومهم - صدای ریختن پای آب	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱۵- مجموعه شعر ی از سلمان هراتی	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵

عمودی:

۱-بی درنگ -خسارکت در کاری معمولاناروایا
خلاف - یاری دهنده
۲- نوعی شیرینی تر - روشنی‌ها
۳- یکباره - حرکات موزون - از احجام هندسی- از آتسوز بازچه کوه‌کاوان است
۴- خوشایوندی - پش- نام پدر داریوش اول
۵- وسیله سنجش - باردار
۶- کنایه از خوشبختی - خاص - کلمه شگفتی
۷- کشکف میکروب سل
۸- پیشوند نفی - تم نه کبابی - آقا و سرور - مصیبت
۸- حالا- زبان‌ستانی مردم ایالتی- برای شکاری می‌شینند
۹- تصویر - نام و سد - تخلص دهخدا- اولین درویش
۱۰- حرف‌نما - موجود نامرئی - سوره آخرقرآن
مجدد در کتابت - از بنیان و ریشه
۱۱- افشره خشک شده آلو - پرنده صلح و دوستی
۱۲- لانه پرند - کشنی تو برپای کوه آرام گرفت- پراکنده کردن ، انتشار دادن
۱۳- از مد افتاده - نیایش - جاده - باران اندک
۱۴- بالایی در آلمان - متصدی قهوه خانه
۱۵- هوا آزاد- کشور آفریقای با مرکز «ایوجا» - حافظه جانبی رایانه

حل جدول ۲۳۸۴۸

۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱	ر	س	م	و	ا	ب	ز	ی	د	پ	ت	ث	ج	ح
۲	ا	ز	ب	ز	ی	د	پ	ت	ث	ج	ح	ح	ی	ع
۳	ی	س	ا	ر	ب	ز	ی	د	پ	ت	ث	ج	ح	ح
۴	ا	ز	ب	ز	ی	د	پ	ت	ث	ج	ح	ح	ی	ع
۵	ر	س	م	و	ا	ب	ز	ی	د	پ	ت	ث	ج	ح
۶	ا	ز	ب	ز	ی	د	پ	ت	ث	ج	ح	ح	ی	ع
۷	ی	س	ا	ر	ب	ز	ی	د	پ	ت	ث	ج	ح	ح
۸	ا	ز	ب	ز	ی	د	پ	ت	ث	ج	ح	ح	ی	ع
۹	ر	س	م	و	ا	ب	ز	ی	د	پ	ت	ث	ج	ح
۱۰	ا	ز	ب	ز	ی	د	پ	ت	ث	ج	ح	ح	ی	ع
۱۱	ی	س	ا	ر	ب	ز	ی	د	پ	ت	ث	ج	ح	ح
۱۲	ا	ز	ب	ز	ی	د	پ	ت	ث	ج	ح	ح	ی	ع
۱۳	ر	س	م	و	ا	ب	ز	ی	د	پ	ت	ث	ج	ح
۱۴	ا	ز	ب	ز	ی	د	پ	ت	ث	ج	ح	ح	ی	ع
۱۵	ی	س	ا	ر	ب	ز	ی	د	پ	ت	ث	ج	ح	ح



شرکت سهامی عام سیمان بهبهان

مناقصه

شرکت سیمان بهبهان درنظر دارد خرید، نصب

و راه‌اندازی سیستم دوربین‌های مدارس بسته (فاز ۲)

خود را از طریق مناقصه عمومی به پیمانکار واجد

شرایط (دارای تایید صلاحیت ایمنی و پیمانکاری از

اداره کار و امور اجتماعی) واگذار نماید. متقاضیان

می‌توانند ضمن هماهنگی با امور حراست جهت

اطلاع از میزان کار و محل آن و جهت دریافت برگ

شرایط مناقصه از طریق سایت سیمان بهبهان

به آدرس www.behcco.ir مراجعه و مهلت

تحویل پاکت‌ها تا ساعت ۱۴ مورخه ۱۳۹۸/۱۰/۱۵

نشانی بهبهان – کیلومتر ۱۰ جاده سیمان کد پستی

۶۳۶۷۱۵۶۷۴۵ به واحد دبیرخانه و یا دفتر مرکزی

سیمان بهبهان واقع در تهران تحویل نمایند. لازم

به ذکر است رد یا قبول پیشنهادها از اختیارات این

شرکت می‌باشد. ضمناً کلیه کسورات قانونی و هزینه

چاپ آگهی برعهده برنده مناقصه می‌باشد.

تلفن تماس: ۰۲۱-۵

اظهارات

رسانه صهیونیستی انجام رزمایش دریایی ایران با چین و روسیه را پیروزی برای تهران با وجود فشارهای آمریکا برشمرد.به گزارش گروه بین‌الملل خبرگزاری فارس،به دنبال اعلام انجام رزمایش دریایی مشترک ایران با نیروی دریایی روسیه و چین در دی ماه، یک رسانه صهیونیستی آنرا گامی ازسوی ایران در به چالش کشاندن نیروی دریایی برخی کشورهای غربی حاضر در منطقه برشمرد.

بر اساس این گزارش، دریادر «حسین خانسزادی» فرمانده نیروی دریایی ارتش جمهوری اسلامی ایران پس از دیدار با سپهد «شسای یونان مینگ» معاون روابط بین‌الملل ارتش چین با اشاره به رزمایش مشترک ایران و چین و روسیه، گفت: رزمایش پیش رو با نام کمربند امنیت دریایی ششم دی ماه سال جاری (۲۷ دسامبر ۲۰۱۹) برگزار خواهد شد.روزنامه «جرولاند پست» در تحلیلی در این باره نوشت، بعد از ائتلاف دریایی آمریکا و انسه در خلیج فارس، ایران قصد قدرتمندی درادراین رسانه با اشاره به اینکه ایران در حال شسیرود طرح ابتکاری صلح هرمز، است نوسه حضور تهران در کنار روسیه و پیشبرد همکاری تنگاتنگ با چین یک پیروزی برای ایران در بجه‌وحه تحریرمها به حساب می‌آید.

این رسانه صهیونیستی یکی از نقاط برتری نیروی دریایی ایران را وجود قایق‌های تندرو خواند و نوشت، با این‌که بدنه نیروی دریایی ایران قدیمی است، اما این کشور پهبادهای فناوری‌های جدیدی را برای کشتی‌های خود فراهم آورده است. به نوشته این روزنامه، پیام ایران در این برهه این است که می‌تواند در ائتلاف بزرگ روس‌ها و چینی‌ها حضور داشته و نقش ایفا کند. انجام این رزمایش مشترک پیروزی برای ایران در مقابله با فشارهای حادتری از جانب امریکاست.

جرولاند پست در خاتمه با اشاره به ناوشکن نسبتاً جدید «سهند» و چند کشتی بزرگ دیگر در نیروی دریایی ایران نوشت، موضع دریایی ایران صرفاً بیانگر این است که می‌تواند با وجود فشارهای آمریکا رزمایش دریایی مشترک برگزار کند. این اقدام همچنین دعوت کشورهای همسایه همچون «عمان» به همکاری در طرح ابتکاری صلح هرمز است.

راز رویگردانی آلمان از ائتلاف‌های موازی

آلمان به حمایت سیاسی از ائتلاف اروپایی تنگه هرمز تحت رهبری فرانسه کفایت بحال آنکه از ائتلاف موازی که در رهبری آمریکا حرا در نیز اجتناب می‌کند. اما دلیل این امتناع چیست؟ گزارش خبرگزرای مهر، تصمیم اخیر آلمان مبنی بر عدم پیوستن به ماموریت اروپایی تنگه هرمز به بهرری فرانسه در حالی اعلام شد که چندی پیش نیز عدم حمایت برای آن موضع اصلی مبنی بر «هرگز مغزی ناتو» خیرساز شده بود.موضع گیری‌های برلین علیه پاریس این گمانه‌زنی را تقویت می‌کند که ششاید آلمانی‌ها در آستانه تحقق فرگزیست و جدایی انگلیس از اتحادیه اروپا، قصد چیدن بال و پر فرانسه را نیز دارند تا مبدا وجودهای پای خود را به عنوان قدرت بر تر قاره سبز محکم کند.
این گمانه‌زنی تا حد زیادی معقول است به شریط اینکه فراموش نکنیم در اقامتی

هواپیمای F۴

هواپیمای F۴

هواپیمای F۴

هواپیمای F۴

هواپیمای F۴

هواپیمای F۴

هواپیمای F۴

هواپیمای F۴

هواپیمای F۴

هواپیمای F۴

هواپیمای F۴

هواپیمای F۴

هواپیمای F۴

هواپیمای F۴

هواپیمای F۴

هواپیمای F۴

هواپیمای F۴

هواپیمای F۴

هواپیمای F۴

هواپیمای F۴

هواپیمای F۴

هواپیمای F۴

هواپیمای F۴

هواپیمای F۴

هواپیمای F۴

هواپیمای F۴

هواپیمای F۴

هواپیمای F۴

هواپیمای F۴

هواپیمای F۴

هواپیمای F۴

هواپیمای F۴

هواپیمای F۴

هواپیمای F۴

هواپیمای F۴

هواپیمای F۴

هواپیمای F۴

هواپیمای F۴

هواپیمای F۴

هواپیمای F۴

هواپیمای F۴

هواپیمای F۴

هواپیمای F۴

هواپیمای F۴

هواپیمای F۴

هواپیمای F۴

هواپیمای F۴

هواپیمای F۴

هواپیمای F۴

هواپیمای F۴

هواپیمای F۴

هواپیمای F۴

هواپیمای F۴

هواپیمای F۴

هواپیمای F۴

هواپیمای F۴

هواپیمای F۴

هواپیمای F۴

هواپیمای F۴

هواپیمای F۴

هواپیمای F۴

هواپیمای F۴

هواپیمای F۴

هواپیمای F۴

هواپیمای F۴

هواپیمای F۴

هواپیمای F۴

هواپیمای F۴

هواپیمای F۴

هواپیمای F۴

هواپیمای F۴

هواپیمای F۴

هواپیمای F۴

هواپیمای F۴

هواپیمای F۴

هواپیمای F۴

هواپیمای F۴

هواپیمای F۴

هواپیمای F۴

هواپیمای F۴

هواپیمای F۴

هواپیمای F۴

هواپیمای F۴

هواپیمای F۴

هواپیمای F۴

هواپیمای F۴

هواپیمای F۴

هواپیمای F۴

هواپیمای F۴

هواپیمای F۴

هواپیمای F۴

هواپیمای F۴

هواپیمای F۴

هواپیمای F۴

هواپیمای F۴

هواپیمای F۴

هواپیمای F۴

هواپیمای F۴

هواپیمای F۴

هواپیمای F۴

هواپیمای F۴

هواپیمای F۴

هواپیمای F۴

هواپیمای F۴

هواپیمای F۴

هواپیمای F۴

هواپیمای F۴

هواپیمای F۴

هواپیمای F۴

هواپیمای F۴

هواپیمای F۴

هواپیمای F۴

هواپیمای F۴

هواپیمای F۴

هواپیمای F۴

هواپیمای F۴

هواپیمای F۴

هواپیمای F۴

هواپیمای F۴

هواپیمای F۴

هواپیمای F۴

هواپیمای F۴

هواپیمای F۴

هواپیمای F۴

هواپیمای F۴

هواپیمای F۴

هواپیمای F۴

هواپیمای F۴

هواپیمای F۴

هواپیمای F۴

روابط بین‌الملل



هواپیمای F۴

هواپیمای F۴

هواپیمای F۴

هواپیمای F۴

هواپیمای F۴

هواپیمای F۴

هواپیمای F۴

هواپیمای F۴

هواپیمای F۴

هواپیمای F۴

هواپیمای F۴

هواپیمای F۴

هواپیمای F۴

هواپیمای F۴

هواپیمای F۴

هواپیمای F۴

هواپیمای F۴

هواپیمای F۴

هواپیمای F۴

هواپیمای F۴

هواپیمای F۴

هواپیمای F۴

هواپیمای F۴

هواپیمای F۴

هواپیمای F۴

هواپیمای F۴

هواپیمای F۴

هواپیمای F۴

هواپیمای F۴

هواپیمای F۴

هواپیمای F۴

هواپیمای F۴

هواپیمای F۴

هواپیمای F۴

هواپیمای F۴

هواپیمای F۴

هواپیمای F۴

هواپیمای F۴

هواپیمای F۴

هواپیمای F۴

هواپیمای F۴

هواپیمای F۴

هواپیمای F۴

هواپیمای F۴

هواپیمای F۴

هواپیمای F۴

هواپیمای F۴

هواپیمای F۴

هواپیمای F۴

هواپیمای F۴

هواپیمای F۴

هواپیمای F۴

هواپیمای F۴

هواپیمای F۴

هواپیمای F۴

هواپیمای F۴

هواپیمای F۴

هواپیمای F۴

هواپیمای F۴

هواپیمای F۴

هواپیمای F۴

هواپیمای F۴

هواپیمای F۴

هواپیمای F۴

هواپیمای F۴

هواپیمای F۴

هواپیمای F۴

هواپیمای F۴

هواپیمای F۴

هواپیمای F۴

هواپیمای F۴

هواپیمای F۴

هواپیمای F۴

هواپیمای F۴

هواپیمای F۴

هواپیمای F۴

هواپیمای F۴

هواپیمای F۴

هواپیمای F۴

هواپیمای F۴

هواپیمای F۴

هواپیمای F۴

هواپیمای F۴

هواپیمای F۴

هواپیمای F۴

هواپیمای F۴

هواپیمای F۴

هواپیمای F۴

هواپیمای F۴

هواپیمای F۴

هواپیمای F۴

هواپیمای F۴

هواپیمای F۴

هواپیمای F۴

هواپیمای F۴

هواپیمای F۴

هواپیمای F۴

هواپیمای F۴

هواپیمای F۴

هواپیمای F۴

روابط بین‌الملل



هواپیمای F۴

هواپیمای F۴

هواپیمای F۴

هواپیمای F۴

هواپیمای F۴

هواپیمای F۴

هواپیمای F۴

هواپیمای F۴

هواپیمای F۴

هواپیمای F۴

هواپیمای F۴

هواپیمای F۴

هواپیمای F۴

هواپیمای F۴

هواپیمای F۴

هواپیمای F۴

هواپیمای F۴

هواپیمای F۴

هواپیمای F۴

هواپیمای F۴

هواپیمای F۴

هواپیمای F۴

هواپیمای F۴

هواپیمای F۴

هواپیمای F۴

هواپیمای F۴

هواپیمای F۴

هواپیمای F۴

هواپیمای F۴

هواپیمای F۴

هواپیمای F۴

هواپیمای F۴

هواپیمای F۴

هواپیمای F۴

هواپیمای F۴

هواپیمای F۴

هواپیمای F۴

هواپیمای F۴

هواپیمای F۴

هواپیمای F۴

هواپیمای F۴

هواپیمای F۴

هواپیمای F۴

هواپیمای F۴

هواپیمای F۴

هواپیمای F۴

هواپیمای F۴

هواپیمای F۴

هواپیمای F۴

هواپیمای F۴

هواپیمای F۴

هواپیمای F۴

هواپیمای F۴

هواپیمای F۴

هواپیمای F۴

هواپیمای F۴



۴۲۵
شصتمین جشنواره روزنامه اطلاعات
پوشش ۲ دی ۱۳۹۸ - سال نهم و چهارم - شماره ۲۷۲۵۷

رانندگی از نوع ایرانی!





زیرگذر اینترنت

پرایدنخرا!

دسته اول آن‌ها که زیر فیلم‌های سوتی دخترها می‌نویسند «دختر است دیگر!» و دسته دوم آن‌هایی که با رانندگی زن‌ها و دخترها جک می‌سازند و مسخره می‌کنند. این دو کار به شدت اعتماد به نفس زن‌های جامعه را پایین آورده است. به چه دردی می‌خورد مملکتی که دختران و زنان شاد و معتمد به نفس ندارند؟

برخی دیگر از تجربه‌های متفاوتشان در خارج از کشور گفته‌اند. کاربر «فارگو» با به اشتراک گذاشتن این تصویر نوشته: «در اتوبان تصادف شده و نزدیک نیم‌ساعت می‌شود که توی ترافیک هستم. مردم لاین وسط را برای آمدن احتمالی آمبولانس و ماشین پلیس خالی گذاشته‌اند. فرهنگ رانندگی در آلمان واقعا بالا و حیرت آور است.»



«من محمد، ۳۱ سال دارم» پرسش جالبی از مخاطبانش کرده است: «دایی‌ام می‌گفت اگر از هر راننده حرف‌های یک نکته یادگیری و به آن عمل کنی تو هم حرف‌های می‌شوی. بعد از آن توجهم به رانندگی بقیه بیشتر شد. شما هم بیابید بگوئید در رانندگی اطرافیان‌تان چه نکته جالبی دیده‌اید که رعایت کرده‌اند؟»

پاسخ‌ها جالب و بی‌شمار است که در اینجا به تعدادی از آن‌ها اشاره می‌کنم. «هادی جعفری» نوشته: «راهنمای ماشین چیز اضافه‌ای نیست، از آن استفاده کنیم، به‌ویژه موقع لاین عوض کردن و سبقت.»

البته بعضی از توصیه‌ها شیطان‌آمیز و غیراخلاقی به نظر می‌رسد. «مرد کچل» گفته: «همیشه حواست فقط به ماشین جلویی نباشد، به بعد از آن نگاه کن. توی جاده هم فقط به خاکی نگاه کن، آن هم به دور دست‌ها که افسر را قبل از این که او تو را ببیند دیده باشی!»

«بلندی‌های پست» نوشته: «بعضی از راننده‌ها قبل از این که بخوابند به بقیه می‌سپردن که وقتی رسیدند بیدارشان کنند!»

«سجاد» با خواندن بعضی از پاسخ‌ها به این نتیجه رسیده: «من باید با دیده لقمان حکیم نگاه کنم و این کارها را بر عکس انجام بدهم!»

«آزاده» نوشته: «در زمینه رانندگی اصلا از هیچ کدام یاد نگیر، بدترین الگوی رانندگی در جهان ماییم! بدترین عابران پیاده در دنیا ماییم! سر فرعی به اصلی جای دست بلند کردن برای تاکسی نیست. سر پیچ دوربرگردان جای عبور از خیابان نیست...»

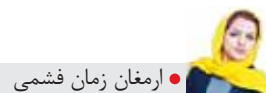
در نهایت «میثم طلا» با بیان یک نکته جالب، اصل حرف را زده و بهترین پند ممکن را داده: «پراید نخرا!»



تماشاخانه

میدان مشق

رانندگی از نوع ایرانی!



ارمغان زمان فشمی

مدتی پیش مقاله خارجی جالبی درباره ارتباط شخصیت افراد با اتومبیلی که می‌خرند خواندم. از قضا در آن اشاره شده بود که ایرانیان به ماشین‌های شاسی‌بلند علاقه دارند، چون مایلند دیگران را از بالا نگاه کنند و با این کار احساس برتری به آن‌ها دست می‌دهد!

از آن روز به بعد در خیابان به آدم‌ها و ماشین‌هایشان دقت کردم. یادم افتاد بچه که بودم گاهی سیزده‌به‌در را به خانه خاله می‌رفتیم. با خدایم‌ز پسر خاله‌ام - که بعدها در یک تصادف فجیع رانندگی از دنیا رفت - کنار پنجره خانه آن‌ها می‌نشستیم و ماشین‌ها را می‌شمردیم. هر ماشینی که از سمت راست می‌آمد یک امتیاز برای او داشت و هر ماشین که از سمت چپ می‌آمد یک امتیاز برای من. ماشین‌هایی که سبزه هفت‌سین داشتند، امتیاز بیشتری می‌گرفتند.

سال‌های بعد این عادت برای من باقی ماند که گاهی در جاده توی دلم نیتی کنم و ماشین‌ها را بشمارم. شاسی‌بلند یک امتیاز، بنز و بی‌امو دو امتیاز، ماشین رولز راس و ماشین عروس ده امتیاز داشت. در پایان مسیر مشخص می‌شد که چند درصد ممکن بود به نیت توی دلم برسم. با خودم فکر می‌کنم چرا در ضمیر ناخودآگاه من این ماشین‌ها امتیاز داشتند و پراید و پیکان نه؟ چند درصد از ما ناخودآگاه به رانندگان ماشین‌های مدل بالا بیشتر احترام می‌گذاریم؟ چند درصد از ما وقتی پشت فرمان یک ماشین گران‌قیمت می‌نشینیم خیال نمی‌کنیم که همراه آن، سند کوچه‌ها و خیابان‌ها را هم به ناممان زده‌اند؟ چند درصد از ما موقع عبور از خیابان سرمان را پایین می‌اندازیم و بدون توجه به چراغ راهنمایی رد می‌شویم و توقع داریم راننده‌ها وقتی چراغ عبورشان سبز است پیش پایمان توقف کنند؟ چند درصد از ما وقتی پشت فرمان نشسته‌ایم توقع داریم همه پیاده‌ها به احتراممان صف بکشند و هیچ کدامشان خیال نکنند حق دارد زودتر از ما از خیابان عبور کند؟ چند درصد از ما قوانین راهنمایی و رانندگی را رعایت می‌کنیم؟

توجه به پاسخ این مجموعه پرسش نشان می‌دهد که چرا کابوس هر گردشگر اروپایی در ایران، عبور از خیابان و استفاده از تاکسی است! یک استاد فیزیک فرانسوی را به‌خاطر می‌آورم که به همراه عده‌ای دیگر از فیزیکدانان خارجی مهمان دانشگاه اصفهان بودند و من راهنمایی آن‌ها را برعهده داشتیم. او وقتی می‌خواست از خیابان عبور کند مدت‌ها می‌ایستاد تا هیچ ماشینی از دوطرف دیده نشود، سپس سرش را بین دستانش می‌گرفت و هروله‌کنان از خیابان عبور می‌کرد!

شاید بهتر باشد به‌جای آن که در آرزوی خرید ماشین شاسی‌بلند باشیم، فرهنگ رانندگی را بیاموزیم و به کابوس خیابان‌ها و جاده‌های ایران پایان بدهیم.

● شوخ طبعی‌های پراید سواران!

ضمیمه جامعه روزنامه اطلاعات هر دوشنبه منتشر می‌شود. از مطالب، پیشنهادها و انتقادات شما استقبال می‌کنیم.
Email: jameettefaat@gmail.com
تلفن: ۲۹۹۹۳۲۱۰

رفتن یا نرفتن؟ مسأله این است...



● مرضیه سلیمانی

رضا را نداشته‌اند، بهتر است همه با هم به قم برویم، هم آب و هوایی تازه کرده‌ایم، هم ماشین را متبرک می‌کنیم و هم این زوج جوان زیارتی می‌کنند. بعد هم همه ما را روانه کرد و خودش به بهانه‌ای در خانه ماند.

تابستان سوزانی بود و گرما بیداد می‌کرد که راه افتادیم. اما چشمتان روز بد نبیند، به محض این که به دریاچه نمک رسیدیم، ماشین خاموش شد و ما آدم‌های نابلد هرچه کردیم روشن نشد که نشد.

انسداد آبی که همراه داشتیم، خیلی زود تمام شد و نوزاد برادر وسطی، گرمازده و تب کرده، از حال رفت. از عجایی که خوب یادم مانده این بود که وقتی ما با آن حال نزارمان کنار جاده ایستاده بودیم تا از کسی -هر که باشد- کمک بگیریم، هیچ کس توقف نکرد تا دست‌کم جرحه‌ای آب به ما بدهد.

تاریکی شب از راه رسید و ما آماده می‌شدیم که زیر پل مخروبه‌ای اتراق کنیم که یک پاترول دولتی از راه رسید. زن‌ها و بچه‌ها را با خود به تهران برد و نیروی کمکی برای ماشین و مردها فرستاد. این بار هم راه نرفته را بازگشتیم و عهد کردیم دیگر هرگز دنبال قورباغه‌ها نرویم.

من البته عهدم را نشکستم. اما انگار طلسم قورباغه‌ای رهایم نمی‌کرد، چون سال‌ها بعد، وقتی همسر مرا تشویق کردم که برای خرید اتومبیل از همان قوم و خویشان که صاحب ماشین عروس بود، راهنمایی و کمک بگیرد، رفت و با یک فولکس قورباغه‌ای برگشت؛ آبی و دست‌دوم. که فقط از محل خرید تا خانه راه آمد و بعد از آن، سال‌ها در خیابان ماند و اسباب بازی و خنده بچه‌های محل شد. اما بالاخره با قدری پول دستی که به یک اوراچی دادیم، از کوچه و خیابان جمعش کرد.

اتوبوس دیگری راهی مدرسه شویم. اما این یکی گوش تا گوش پر از مردان و زنان خواب‌آلود و عصبی بود. وقتی درب اتوماتیک اتوبوس باز می‌شد، اول باید هفت‌هشت نفری پیاده می‌شدند تا جا برای مسافر اصلی که قصد پیاده شدن داشت، باز شود. بعد هم به جای این یک نفر، چند نفر سوار می‌شدند؛ با زور و تنگ هم. درب باز می‌ماند و مختصر نفسی می‌آمد و می‌رفت.

گزینۀ دیگر مینی‌بوس بود که همه از آن فراری بودیم. و این چند دلیل داشت: اولاً هزینه اتوبوس فقط یک بلیت یک تومانی بود که بیشتر اوقات هم آقاماشالله از خیرش می‌گذشت. اما برای مینی‌بوس باید پنج تومان پرداخت می‌کردیم. ثانیاً در اتوبوس -حتی اگر جا نبود- صاف و کشیده سرپا می‌ایستادیم اما در مینی‌بوس -که فقط یک مدل آن وجود داشت و آن هم بنز خاور قد کوتاه بود- باید از کمر خم می‌شدیم و دستمان را به پرده‌های چرک و بدبوی آن قلاب می‌کردیم که روی نفر کناردستی -نشسته یا ایستاده- نیفتیم.

در زمستان که زمین و زمان یخ زده بود، رانندۀ مینی‌بوس یک گاز پیک‌نیک‌ی روشن می‌کرد و آن را پشت سر خود -کنار اولین صندلی- می‌گذاشت تا به قول معروف ماشین‌ها بگیرد و گرم شود. بعضی وقت‌ها هم چند تکه چوب را داخل یک پیت حلبی می‌گذاشت و با کمی بنزین روشنش می‌کرد. آن وقت بود که در اثر گرما یا گازی که در مغزمان رسوب می‌کرد، دیگر هیچ کس دلش نمی‌خواست از مینی‌بوس پیاده شود.

و اما حکایت قورباغه‌ها...

اولین قورباغه‌ای که وارد خانه ما شد، فولکس آبی دست‌دومی بود که برادر وسطی بعد از ازدواج خرید. زمستان بود و همان شبی که او و همسرش با ماشین تازه به خانه ما آمدند، همه بالاتفاق گفتند که درست همین حالا وقت سفر است. خوب است سری به مناطق کوهستانی بزنیم. باروبندیل کمی برداشتیم و راهی شدیم. تا گردنۀ آوج هم همه چیز خوب پیش رفت اما به محض ورود به گردن -درست همان موقعی که خوراکی‌هایمان تمام شده بود و سرما کم‌کم خودی نشان می‌داد- با برف و بورانی شدید مواجه شدیم و تازه آن وقت بود که یادمان افتاد هیچ وسیله و تجهیزاتی نداریم. ماشین در برف و یخ گیر کرد و ما یک شبانه‌روز با فولکسی که فقط سقفش از زیر برف پیدا بود، کلنجار رفتیم تا شاید بتوانیم از جا تکانش بدهیم. آن شب را با سرما و ترس و گرسنگی به صبح رساندیم. به هیچ کس و هیچ کجا هم دسترسی نداشتیم. صبح روز بعد، ماشین‌های برف‌روب و مردم محلی آمدند و نجاتمان دادند. و ما بدون رسیدن به مقصد، راه رفته را برگشتیم.

چند سال بعد، وقتی

خاطره آن شب سرد در پیچ و خم زمان، کمرنگ و یادآوریش به اسباب شوخی و خنده بدل شده بود، فولکس دوم -باز هم دست‌دوم و آبی- قدم به خانه ما گذاشت. اما این بار برادر کوچک، با هزار امید و آرزو، با عشق به صنایع آلمان آن را خرید. یکی دوروزی در اطراف خانه امتحانش کرد و بعد طی یک مراسم شام از آن رونمایی کرد. مادرم پیشنهاد داد حالا که برادر و همسر تازه‌اش توفیق زیارت امام

قورباغه‌ها در زندگی ما نقش مهمی داشتند. شب‌های تابستان که قورباغه‌ها از باغ‌های اطراف به خانه ما می‌آمدند، دور آن‌ها جمع می‌شدیم و به نوعی خودمان را با آنها سرگرم می‌کردیم. یکی، صدای آنها را تقلید می‌کرد، دیگری نقش و نگارهایشان را می‌شمرد. یکی دیگر در مورد چشم‌های ورقلمبیده‌شان کنکاش می‌کرد و خود من سعی می‌کردم مثل آنها راه بروم یا بهتر بگویم، بجهم. دست آخر هم مادر یکی یکی آنها را می‌گرفت و به باغ همسایه هدایتشان می‌کرد.

شاید هم همین علاقه به قورباغه و مشاهده نحوه حرکت آن بود که پای قورباغه را به زندگی ما باز کرد. پدرم هیچ وقت ماشین نداشت. زمستان‌ها با سرویس به کارخانه می‌رفت و تابستان‌ها با دوچرخه. اما یکی از همان روزهایی که با سرویس رفته بود، کمی زودتر از همیشه به خانه آمد و یک سویچ به برادر بزرگم داد. بعد گفت یکی از مهندس‌های کارخانه به همراه خانواده‌اش برای همیشه عازم هلند بوده و چوب حراج به اسباب و اثاثیه زندگی‌اش زده. پدرم هم موقعیت و فرصت را مناسب دید، معطل نکرده و فوراً آلبالویی مهندس را برای برادرم خریده. اما چون خودش رانندگی بلد نبوده، به اتفاق مهندس، ماشین را آورده‌اند و سر کوچه پارک کرده‌اند.

برادرم سال آخر دبیرستان بود. گواهی‌نامه یا آن‌طور که آن روزها می‌گفتند «تصدیق» نداشت، اما رانندگی‌اش خوب بود. همه ما از این خرید خوشحال و ذوق‌زده بودیم اما هیچ کدامان حتی یک بار هم سوار فوراً نشدیم. مهمان نورسیده ما آن قدر زیبا بود و آن قدر خاطر خواه داشت که ظرف دوسه روز با سودی قابل توجه به فروش رفت. برادرم هم ترجیح داد پول به دست آمده را صرف برپایی یک عروسی آبرومند کند. تقریباً همه کارهای عروسی را همسایه‌ها و دوستان عروس و داماد به عهده گرفتند. همه چیز آماده بود الا یک چیز و آن، ماشین عروس بود. قرار شد یکی از اقوام نزدیک، پیکان قهوه‌ای رنگش را به این کار اختصاص دهد.

یک روز قبل از مراسم، دوستان برادرم با رویان‌های آبی و صورتی ماشین را تزئین کردند و شب، بعد از تمام شدن جشن، صاحب میانسال پیکان پشت فرمان نشست، همسرش، کنار دستش و عروس و داماد، در صندلی عقب.

قرار شد به اتفاق مهمان‌ها گشتی در خیابان‌های اطراف بزنند و برای گرفتن عکس به پارک نزدیک خانه بروند. هر کس که ماشین داشت، چند نفری را سوار می‌کرد تا کسی از مراسم عکاسی جا نماند. اما بعد از جابه‌جایی‌ها و جادادن‌های مکرر، یک زن و شوهر کهنسال و من اضافه آمدیم. خانم پیر را در صندلی جلو، کنار همسر راننده نشاندند. همسرش در کنار عروس و داماد جا گرفت و من هم با شادی و ذوق فراوان روی پای داماد نشستم.

آخر شب هم راننده محبتش گل کرد و با ماشین عروس، بعضی از مهمان‌ها را به خانه‌هایشان رساند، به اتفاق همسرش و با بوق‌های گاه‌به‌گاهی. چند روزی بعد از آن هم با همان ماشین رویان زده، خوشحال و خندان به شرکت واحد اتوبوسرانی می‌رفت که البته محل کارش بود.

وقتی هم‌نسل‌ها و هم‌مدرسه‌ای‌هایم مقدمات دکتر و مهندس شدن را می‌چیدند، عشق به ادبیات عقل و هوش از من ربوده بود اما در تنها مدرسه محل زندگی‌ام، همه رشته‌ها دایر بود، الا فرهنگ و ادب. پس رنج رفت‌وآمد به مدرسه‌ای را بر خود هموار کردم که ۱۷ کیلومتر از خانه فاصله داشت. تمام هم و غم این بود که به «اتوبوس» برسم. اتوبوس به شرکت واحد تعلق داشت و رانندۀ آن مرد میانسالی بود با موهای سفید، قد بلند، قیافه جدی و دوستدار جوان‌ها. اسمش آقاماشالله بود و از اول خطا، به اصطلاح خالی راه می‌افتاد تا به قول خودش، فقط بچه‌مدرسه‌ای‌ها را سوار کند.

جاده‌ها و خیابان‌ها یخ زده بود و آقاماشالله مسیر نیم‌ساعته را یک‌ساعته می‌آمد تا مشکلی پیش نیاید؛ نه برای بچه‌ها و نه برای اتوبوس که آقاماشالله می‌گفت مثل فرزندش دوستش دارد. بعد از یکی دو ماه، دختر و پسر، همه با هم دوست می‌شدیم و تا رسیدن به ایستگاه آخر، توی سر و کله هم می‌زدیم. بعضی از این دوستی‌ها هم سال‌ها ادامه پیدا می‌کرد.

البته اگر به هر دلیلی از اتوبوس جا می‌ماندیم، می‌توانستیم با





زهره گردان

ما ایرانیان در رعایت آداب معاشرت زبانزد هستیم و بیشترین احترام را به میهمان، دوست و همسایه می گذاریم. هنگام عبور و مرور از مکان‌های مختلف به دیگران تعارف می‌کنیم، موقع استفاده از آسانسور گاه آن‌قدر در این کار زیاده‌روی به خرج می‌دهیم که در بسته می‌شود. اصولا تعارف و احترام دو وجه جدایی‌ناپذیر از شخصیت ما ایرانی‌ها محسوب می‌شود، البته تا زمانی که پشت فرمان خودرو نشسته باشیم.

نمی‌دانم چرا وقتی در هیبت راننده ظاهر می‌شویم هم شخصیت و هم ادبیاتمان تغییر می‌کند. وقتی سکان خودرو در دستانت هست، نه تعارف معنا دارد و نه احترام. توقف کردن و راه دادن به رانندگان دیگر هم کاملا پوچ و بی‌معناست. اینجا میدان سابقه‌ها است و هر راننده یک رقیب محسوب می‌شود. باید هر فضای خالی که پیدا شد زودتر از دیگران آن را پر کنی و برای رسیدن به محل کار، میهمانی یا مقصد سفر با بالاترین سرعت از سمت راست سبقت‌گیری و هزار راه غیرقانونی را بگذرانی تا پیروز میدان شوی. اپلیکیشن(برنامه)‌های راهیاب هم برای دور زدن دوربین‌های کنترل سرعت و پلیس، دستان یاریگری محسوب می‌شوند که نباید از آن‌ها غافل ماند.

خلاصه این‌که اگر بسازی را این‌گونه جلو نبری، از قافله عقب می‌مانی و متهم می‌شوی به این‌که زرتنگ نیستی و رانندگی حرفه‌ای رانمی‌دانی؛ تا جایی که «هشدار جدی نسبت به رانندگی خطرناک ایرانیان» تبدیل به یکی از بخش‌های جدایی‌ناپذیر کتابچه‌های راهنمای جهانگردان در کنار معرفی جاذبه‌های گردشگری کشورمان شده است. این‌که چرا ما ایرانیان این‌گونه رانندگی می‌کنیم دلایل متعددی دارد که در گزارش پیش‌رو به آن دلایل می‌پردازیم.

رانندگی محصول شرایط است

دکتر پرویز اجالایی، جامعه‌شناس، معتقد است چیزی به اسم فرهنگ رانندگی ایرانی وجود ندارد و نمی‌توان از شیوه رانندگی ذاتی ایرانیان یا اعراب یا هر ملت دیگری سخن گفت.

دکتر پرویز اجالایی

جامعه‌شناسان باذات‌گرای فرهنگی(Cultural Essentialism) مخالفند و رفتار مردم را در هر زمینه‌ای از جمله رانندگی، محصول شرایط و تجربه تاریخی آن جامعه می‌دانند. از نظر جامعه‌شناسان، فرهنگ، روش‌های رفتاری است که باعث ایجاد نظم اجتماعی می‌شود و این نظم در واکنش به شرایطی که در هر دوره زمانی و برای هر نسلی از پیش تعیین شده است، ایجاد می‌شود؛ به این ترتیب که مردم با به سخن دیگر اعضای هر فرهنگ با توجه به شرایط، روش‌های رفتاری را که منعفت بهینه برای آنان دارد در پیش می‌گیرند و به‌دنبال آن نوعی مذاکره پنهان میان اعضای فرهنگ درمی‌گرد و گروه بزرگی از مردم بر سر رفتار خاصی توافق می‌کنند و با تکرار رفتاری که به مذاکره پنهان مورد توافق قرار گرفته است، نظم اجتماعی عینی را به وجود می‌آورند.

این نظم در موارد بسیاری ممکن است با نظم آرمانی که در کتاب‌ها و قوانین آمده سازگار نباشد اما به هر حال نظمی است برپاشته شده توسط فرهنگ که واقعی است.

فرض کنید در شهری زندگی می‌کنید که خیابان‌هایش خلوت است. ۲۰درصد خودرو شخصی و ۸۰درصد وسایل نقلیه عمومی رفت و آمد می‌کند. در چنین شرایطی شیوه رانندگی افراد به احتمال زیاد بدون استرس و قانونمند خواهد بود و پلیس هم می‌تواند به خوبی آمد و شد اتومبیل‌ها را کنترل کند.

حالا اگر شرایط تغییر کند و شاهد حضور ۸۰درصد خودرو شخصی و ۲۰درصد وسایل نقلیه عمومی باشیم و به‌دلیل رشد سریع تعداد خودروها در شهر و اجزاشدن و گاه غیبت قوانین توسعه شهری، در شهر فضای کافی برای عبور و مرور و راه رفتن اتومبیه‌ها وجود نداشته باشد، رانندگان شروع به کشف راه‌هایی برای استفاده بهتر از اتومبیل خود می‌کنند. مثلا برای حل مسأله جای پارک، دوبله توقف کرده یا هر جا بتوانند اتومبیل خود را پارک می‌کنند؛ حتی درایستگاه‌های اتوبوس. این رفتار توسط سایر رانندگان الگوبرداری می‌شود و این زنجیره ادامه می‌یابد.

به یاد بیاوریم که تا دوسه سال پیش کمترین رانندگی در تهران در ایستگاه‌های اتوبوس پارک می‌کرد اما به‌مرور که مشکل جای پارک پررنگ‌تر شد، هم‌اکنون در نقاط شلوغ شهر، شاهد پارک خودروها در ایستگاه‌های اتوبوس هستیم.

حالا اتوبوس‌ها برای پیاده کردن و سوار کردن مسافر کنار نمی‌کشند بلکه وسط خیابان مسافران سالمند و کودک را پیاده می‌کنند، چون کنار خیابان یک‌سره به پارکینگ اختصاصی یا عمومی اتومبیل‌های شخصی تبدیل شده است و این وضعیت که ما آن را بی‌نظمی می‌خوانیم در واقع چیزی نیست جز سازگاری مردم با شرایطی که در آن در طول زمان، سهم اتومبیل‌های شخصی در شهر از سهم وسایل عمومی پیشی گرفته است.

این جامعه‌شناس باتجربه در واکوی مسأله می‌گوید: علت این مشکل فقط و فقط سیاست حمل و نقل شهری غلطی است که دولت‌های ایران در ۶۰عسال گذشته بدون انقطاع درپیش گرفته‌اند و آن هم سیاست حمایت و تشویق حمل ونقل با اتومبیل شخصی و بی‌توجهی یا توجه ناکافی به وسایل حمل و نقل عمومی است.

ابتدائالسنه‌های اسبی بزرگ و دوطبقه که به آن‌ها «منیبوس» می‌گفتند، نقش اتوبوس‌های امروزی را ایفا کردند. خیلی زود ریل به کمک حمل و نقل شهری آمد و کالسکه‌های اسبی روی ریل حرکت کردند. سپس تراموا یا قطارهای شهری با سوخت بخار و سپس زغال‌سنگ در شهرهای اروپا و سپس آمریکا رایج شد. دیری نگذشت که زغال‌سنگ جای خود را به الکتریسیته داد و قطارها و اتوبوس‌های برقی ریلی شهرهای اروپایی را پر کردند.

با افزایش تولید فراورده‌های نفتی، اتوبوس‌ها و تاکسی‌ها و حتی قطارهای بنزینی رواج یافتند. نتیجه این شد که در آغاز قرن بیستم همه شهرهای مهم اروپایی ایستگاه‌های قطار متعدد شمالی و جنوبی و شرقی و غربی داشتند.

نتیجه‌ای که از این بحث تاریخی می‌خواهم بگیرم این است که با آغاز گذر دموگرافیک (جمعیتی) در اروپا که با افزایش شتابناک جمعیت و مهاجرت وسیع به شهرهای بزرگ شناخته می‌شود، با رشد تکنولوژی وسایل نقلیه عمومی روبه‌رو هستیم و این رشد هماهنگ جمعیت و وسایل نقلیه عمومی برون‌شهری و درون‌شهری یکی از عوامل بسیار مهم در توسعه اقتصادی و همچنین اقتدار و سلطه سیاسی کشور‌های اروپایی بود و سرعت مناسب جابه‌جایی بدون تراکم وسائیل نقلیه را برای شهروندان تأمین کرد و مانع کاهش کیفیت زندگی شهری شد، اما تا آنجا که به وسایل حمل و نقل شهری مربوط می‌شود، با وجود این‌که از اواخر قرن نوزدهم تولید اتومبیل سواری در آلمان و سایر کشور‌های صنعتی کمالی خورده بود، در تمام این دوران طولانی تعداد اتومبیل شخصی بسیار کم بود. این نوع اتومبیل‌ها به تعداد محدود و اغلب به‌طور سفارشی برای ثروتمندان و اعیان و مقامات دولتی ساخته می‌شد و صاحب اتومبیل آن زانمی‌راند، بلکه همه دارندگان اتومبیل شخصی، «شوفر» یا راننده شخصی داشتند.

اولین کشوری که در آن استفاده عموم مردم از اتومبیل شخصی رایج شد، آمریکا بود. هنری فورد در سال ۱۹۰۹ فورد مدل تی را با بهایی قابل پرداخت برای طبقه متوسط شهری به بازار فرستاد و این اتومبیل تغییر چشمگیری در زندگی طبقه متوسط مردم آمریکایی به‌وجود آورد. البته هنوز جاده‌ها مناسب نبودند و راننده‌های غیرحرفه‌ای در روزهای بارانی در گل قرو می‌رفتند. اتومبیل مردمی دیگری که در زمان جنگ جهانی دوم در آلمان ساخته شد اما بعد از جنگ اقبال عمومی یافت، فولکس واگن به‌معنای خودرو مردمی بود.

سال‌های بعد از جنگ که اروپای غربی با کمک طرح مارشال (موقعیت‌امیزترین پروژه سیاست خارجی ایالات متحده آمریکا پس از جنگ جهانی دوم که به بسیاری از کشور‌های اروپای غربی کمک کرد تا اقتصاد خود را پس از جنگ بازسازی کنند) از فقر و رکود درآمد و رشد سریع اقتصادی شروع شد، سال‌های گسترش اتومبیل شخصی همراه با ساختن بزرگراه‌ها و آزادراه‌ها در تمام کشور‌های صنعتی بود. حالا گذر دموگرافیک تمام شده بود؛ نه رشد جمعیتی در کار بود و نه مهاجرت به شهرهای بزرگ.

یک سامانه حمل و نقل عمومی کامل و کارا متشکل از مترو و

قطار شهری و اتوبوس و تاکسی در شهر‌ها و یک نظام حمل و نقل سریع و کارآمد برون‌شهری متشکل از هوایپما و قطار و اتوبوس و احیاناً



دوشنبه ۲ دی ۱۳۹۸-سال نود وچهارم-شماره۲۷۴۵۷

فرهنگ رانندگی ایرانی وجود ندارد!



ترافیک در تهران

کشتی تقریباً در تمام کشورهای صنعتی به‌وجود آمد. حالا اتوبان سازی و آزادراه‌سازی راه را برای جولان اتومبیل‌های شخصی باز کرده بود، اما حتی در این شرایط هم در برخی کشور‌ها رشد وسایل نقلیه عمومی هرگز متوقف نشد.

در کشور‌هایی مثل ژاپن و آلمان، تمامی کشور از کوچک‌ترین روستاها تا کلان شهر‌ها به وسیله شبکه راه آهن کارا و سریع به هم وصل هستند. در ژاپن سرعت قطار‌های سریع‌السیر برون‌شهری به ۳۰۰ کیلومتر در ساعت می‌رسد و استفاده مردم از اتومبیل شخصی به‌خاطر گرانی بنزین و مالیات بسیار محدود است؛ البته در کشور قاره‌ای مثل آمریکا با شهر‌های کوچک کم‌جمعیت، اتومبیل شخصی کاربرد وسیعی دارد، اما در آن‌جا هم در کلان‌شهر‌ها سامانه حمل و نقل عمومی کارا و مؤثر است. در این کشور‌ها هیچ‌گاه مسأله ترافیک و آلودگی هوا ابعاد خطرناک پیدا نکرده است.

برخلاف اروپا که گذر جمعیتی در آن از اواخر قرن ۱۸ یا اوائل قرن ۱۹ شروع شده بود در اغلب کشور‌های درحال توسعه از جمله ایران این اتفاق بعد از جنگ جهانی دوم شروع شد. می‌دانیم نتایج گذر دموگرافیک، افزایش جمعیت، جوان شدن جمعیت و مهاجرت وسیع جمعیت ساکن روستاها و شهر‌های کوچک به شهر‌های بزرگ است که آن را به نام انفجار جمعیت می‌شناسیم.

بر اثر این پدیده، جمعیت ایران در فاصله سال ۱۳۳۵ تا ۱۳۹۵ از حدود ۲۰ میلیون به حدود ۸۰ میلیون نفر رسید (چهار برابر شد) و درصد شهرنشینی از ۳۰درصد به ۷۰درصد تغییر کرد. گذر جمعیتی در ایران هم اکنون تقریباً به پایان رسیده و نرخ رشد به‌شدت کاهش یافته و جمعیت رو به پیرشدن می‌رود و اگر مهاجرت به کلان‌شهر‌ها به اندازه کافی متوقف نشده، به‌خاطر کسادی مزمن اقتصادی موجود است و نه گذر دموگرافیک.

خوب حالا به سیاست‌ها نگاه می‌کنیم. در نیمه دهه ۴۰ خورشیدی که فرایند گذر جمعیت درست در مرحله جهش و اوج‌گیری است و نرخ رشد جمعیت به ۲۷/۷می‌رسد، حمل و نقل عمومی هنوز بسیار عقب است، راه‌آهن تقریباً همان راه‌آهن زمان رضاشاه است. اتوبوس‌رانی درون‌شهری در بسیاری شهر‌ها وجود ندارد و

در کلان شهر‌ها هم از رشد جمعیت عقب است. قطار شهری هم وجود ندارد. صحبت‌هایی درباره ساخت قطار شهری مطرح می‌شود، اما اندکی نمی‌گذرد که حمایت از ناوگان عمومی کند شده و دولت ایران با افتتاح خط تولید اتومبیل سواری پیکان، سیاست حمایت و تشویق اتومبیل شخصی را در پیش می‌گیرد. نخست وزیر مملکت با اتومبیل پیکان سرکار می‌رود و می‌آید. گسترش راه‌آهن تقریباً متوقف و ساختن اتوبان برای رفت و آمد اتومبیل‌های شخصی آغاز می‌شود.

در واقع از همان موقع بدون آن که رسماً اعلام شود، سیاست اولویت اتومبیل‌های شخصی به اجرا در می‌آید و جالب این‌که این سیاست بعد از انقلاب و تاکنون هم ادامه یافته است؛ سیاستی که کاملاً بدون توجه به شرایط تاریخی ما طراحی و اجرا شده است. با پایان جنگ هشت‌ساله هم سیاست ناگفته اولویت اتومبیل شخصی با شدت و سرعت ادامه یافت.

از آنجا که صنایع اتومبیل‌سازی سهمی از بازار خارجی نداشتند و محصولاتشان باید در داخل کشور به فروش می‌رفت، دولت برای این کار خاناتج شرایط انحصاری ایجاد کرد. عرضه اتومبیل با شرایط مناسب و تشویق مردم به خرید اتومبیل‌های وطنی یا مونتاژ‌شده در وطن روبروز بیشتر شد.

ترباری عمومی تا دهه هشتاد خورشیدی تقریباً فراموش شده بود و کوشش‌های قابل‌توجهی که دست‌کم در تهران بعد از آن برای تقویت ناوگان حمل و نقل عمومی انجام شده، هنوز نتوانسته است با اتومبیل شخصی رقابت کند و هنوز حدود ۶۰درصد رفت و آمدها در تهران با اتومبیل شخصی انجام می‌شود که قطعاً مشکلات خاص خود را ایجاد می‌کند و رفتار رانندگان را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

از پیامدهای منفی این سیاست غلط –ترویج اتومبیل شخصی– پیش از تکمیل سامانه‌های حمل و نقل عمومی در شهر‌ها و بیرون شهر‌ها – همچنین می‌توان به آلودگی هوای شهر‌های بزرگ و تلفات جانی و خسارت‌های اقتصادی ناشی از آن، تراکم دائمی ترافیک و تضعیف قانون و افزایش قانون‌گریزی اشاره کرد. اگر کسانی که سبک بنای این سیاست را گذاشتند یا آن‌ها که این سیاست را با قوت و شدت ادامه دادند، قدری جمعیت‌شناسی

می‌دانستند و می‌توانستند سیاست‌ها را از تحلیل مقایسه‌ای تاریخی و پیش‌بینی تحولات اجتماعی استنتاج کنند و نه با تقلید از کشور‌های غربی، سا در تله‌ای که امروز در آن گیر کرده‌ایم، نمی‌افتادیم. حتی هنوز هم اکثر کسانی که این سیاست‌ها را طراحی کرده‌اند و می‌کنند مهندسانی هستند که از مسائل اجتماعی سر‌در نمی‌آورند.

اصلاح وضع موجود

دکتر اجالایی در پاسخ به این سؤال که برای اصلاح وضع موجود چه باید کرد، می‌گوید: اول آن که دولت باید تصمیم بگیرد؛ چرا که در دوره‌ای حمایت از خودروسازان یا حفظ سلامت و آسایش مردم قرار گرفته است. دولت یا باید قید صنعت خودروسازی را بزند یا این صنعت را به درجه‌ای از کیفیت برساند که توانایی صادرات داشته باشد.

باید توجه داشت که اتوبان‌سازی صرفاً استفاده از وسایل شخصی را تشویق می‌کند. توسعه وسایل حمل و نقل عمومی راحت، ارزان و فراوان استراتژی مهمی است که باید موردتوجه قرار گیرد. این سیاست به شرایط عادی و نه تحریم و تورم در یک پروسه دهساله در دو مرحله پنج‌ساله امکان تحقق دارد. براین نکته تأکید می‌کنم که در شرایط تورم بالا و تحریم که هم‌اکنون در آن قرار داریم این سیاست عملی نیست، اما از پیامدهای منفی این سیاست غلط –ترویج اتومبیل شخصی–

محدود کرد و با بستن مالیات بر بنزین و حمل و نقل با وسایل شخصی، حرکت با این وسایل را برای اکثریت مردم غیراقتصادی کرد. دراین صورت افزایش قیمت بنزین تأثیری بر تورم نخواهد داشت، زیرا وسایل عمومی مشکل بنزین ندارند و شبکه وسایل عمومی ایجادشده درمرحله اول جابه‌جایی راحت مردم را در شهر‌های بزرگ تضمین خواهد کرد. البته تا وقتی که شرایط اقتصادی و سیاسی بهبود

حاصل کند دولت می‌تواند اندک اندک وسایل حمل و نقل عمومی را توسعه دهد و اجرای مرحله دوم را به شرایط مناسب اقتصادی و سیاست خارجی موکول کند.

رفتار رانندگان ایرانی

به نظر دکتر اجالایی رفتار رانندگان ایرانی بی‌عیب نیست، اما باید بدانیم این رفتار، محصول شرایط ایجادشده است. بزرگی شهر‌ها و مسافت‌های طولانی و تراکم ترافیک به‌طور طبیعی استرس‌زا هستند و این استرس باید بیرون ریخته شود که خود را به‌صورت پا گذاشتن روی پدال گاز، سبقت گرفتن‌های بیجا، ویراژ دادن و به‌طور کلی آن‌چه که رانندگی عجیب و غریب نامیده می‌شود نمایان می‌کند. از طرف دیگر به‌مرور شکاف میان نظم اجتماعی آرمانی تجلی‌یافته در قانون و نظم اجتماعی واقعی برپاشته توسط توافق‌های پنهان اعضای فرهنگ افزایش یافته و رانندگان قانون‌گریز شده‌اند.

وی دربراره این‌که چرا همین افراد قانون‌گریز وقتی مهاجرت می‌کنند در کشور‌های دارای رانندگی قانونمند، بهتر رانندگی می‌کنند، می‌گوید: نظم اجتماعی محصول رفتار بوده و رفتار هم مذاکره‌پذیر است؛ وقتی فردی وارد کشوری قانونمند می‌شود با ددین رفتار دیگران خود را با آن قواعد رفتاری تطبیق می‌دهد تا بیگانه به نظر نیاید و انگشت‌نما نشود. از سوی دیگر معمولاً مهاجران در همه کشور‌ها برای تثبیت موقعیت خود می‌کوشند رفتاری قانونمند داشته باشند و البته بعد از مدتی هم به این شیوه زندگی کردند، ممکن است این شیوه رفتار در آن‌ها نهادینه شود.

پاسخ نهایی دکتر اجالایی این است که در شرایط استعمار سیاست‌های متناقض و غلط، آموزش فایده‌ای ندارد، چون رانندگی بد یا سخی به شرایط است. اگر شرایط اصلاح شود، فرهنگ رانندگی هم مستعداصلاح خواهد شد. ابتدا بایدسیاست‌ها اصلاح شود تا آموزش معنا پیدا کند. در شرایطی که نظم مذاکره‌شده میان مردم براساس توجه کمتر به قانون است و این شیوه مشکل فرد را حل می‌کند، آموزش تأثیر اندکی خواهد داشت.

نقش آموزش در رانندگی

اما وضعیت آموزش رانندگی در ایران چگونه است و چرا رانندگی افراد متاثر از آموزش که دیده‌اند، نیست؟

فرهاد حقیقی، مدیر هیأت رئیسه کانون

آموزشگاه‌های رانندگی کشور، در پاسخ به این سؤال که متقاضیان دریافت گواه‌ای نامه چند ساعت آموزش می‌بینند و آیا این میزان آموزش برای یادگیری کفایت می‌کند یا خیر، می‌گوید: از سال ۱۳۸۰ طرحی به نام «آموزش و آرایش» در آموزشگاه‌های رانندگی اجرایی شد؛ طرحی که مبنای آن آموزش ۲۴ساعته اجباری متقاضیان بود. قبل از آن چنین اجباری وجود نداشت و قرار شد به‌مرور معایب طرح برطرف شود.

کارشناسی‌ها و اسبیت‌شناسی‌های آمار نشان داد که اما تصادفات و کشته‌شده‌های حاصل از آن‌ها از ۲۷هزار نفر در آن سال‌ها به حدود ۱۶هزار نفر در چند سال اخیر کاهش یافته که نقش آموزش در کاهش این آمار بسیار چشمگیر بوده است؛ اما باید توجه داشت که زمان آموزش محدود است و یک فرد نمی‌تواند صرفاً در مدت ۲۴ساعت به یک راننده حرفه‌ای تبدیل شود. در ضمن استفاده یکسان نیست. یک فرد مسن در زمینه یادگیری قطعاً با یک فرد جوان متفاوت است؛ در حالی که ساعت آموزش برای همه یکسان در نظر گرفته می‌شود. آزمون‌های رانندگی هم با‌هزینه ۱۰هزار و ۵۰۰تومان تقریباً رایگان است و بنابراین فرد به امیدقبولی بارها تلاش می‌کند در آزمون شرکت کند، در حالی‌که در بسیاری از کشور‌های دنیا اگر فردی دوسه بار در آزمون رانندگی رد شود، مورد تست روان‌شناسی قرار می‌گیرد.

وی دربرباره این‌که چرا آن‌چه از آموزش در خیابان‌ها می‌بینیم با رانندگی افراد در خیابان‌ها تفاوت چشمگیری دارد، اظهار می‌دارد: علت آن است که در زمان محدود آموزش فقط موقع می‌شویم. یک سری قوانین کلی را به متقاضیان دریافت گواه‌ای نامه آموزش دهیم، اما آموزش قوانین اصلاً به معنای یادگیری رانندگی صحیح نیست؛ باید نحوه به‌کاربردن این قوانین یاد داده شود که موضوعی زمان‌بر است.

همه روان‌شناسان اعتقاد دارند که تغییر هر رفتار غلط ۲۱روز زمان می‌برد؛ این موضوع در رانندگی هم صدق می‌کند. درضمن برنامه آموزش رانندگی از سوی پلیس راهور به ما دیکته می‌شود و مربیان اختیاری برای اجرا ندارند؛ بنابراین کیفیت آموزش کاهش می‌یابد. تا سه‌چهار سال قبل مربیان می‌توانستند بنابرصلاح‌دید خود، چند ساعت آموزش اضافی برای متقاضی درخواست کنند و آموزشگاه‌ها این اختیار

را داشتند که گواهی مهارت برای فرد صادر نکنند تا او به سطح قابل قبولی برسد، اما متأسفانه با تنگ‌نظری برخی این اختیار هم برداشته شد و اکنون صرفاً گواهی آموزش صادر می‌شود.

علی‌رغم اینکه مسؤولان اعتقاد دارند آموزش سهیم بسزایی در ارتقای فرهنگ رانندگی دارد، اما به نظر می‌آید در عمل اهمیت چندانی به این موضوع نده می‌شود. آموزش رانندگی بسیار آسان گرفته می‌شود و قابل قیاس با کشور‌های پیشرفته نیست. حتی کشور‌های حاشیه خلیج فارس هم حدود ۲۰ تا ۸۰ساعت آموزش برای متقاضیان در نظر گرفته‌اند. در برخی از کشور‌ها هم هزینه‌های آزمون را بالا می‌برند تا هر فردی نتواند شانس قبولی خود را به‌راحتی امتحان کند.

هم‌اکنون شاهدیم افرادی از کشور‌های افغانستان و حاشیه خلیج فارس برای آموزش رانندگی در ایران متقاضی هستند. حتی تعدادی از ایرانی‌های مقیم خارج از کشور هم به لحاظ پایین بودن هزینه‌ها در اینجا آموزش می‌بینند. البته ناگفته‌نماند که ارزش پول ما پایین‌تر از سایر کشور‌هاست و همین موضوع، آموزش را برای آنان مقرون به صرفه می‌کند.

در بسیاری از کشور‌های دنیا آموزش رانندگی در شرایط مختلف روز، شب، سرما و گرما و یخبندان انجام می‌شود و در واقع محیط را شبیه‌سازی می‌کنند تا مهارت متقاضی به‌درستی سنجیده شود اما در ایران آموزش‌ها معمولاً در محلات خلوت انجام و آزمون هم در محلی خلوت‌تر گرفته می‌شود که با رانندگی در اتوبان‌های پرترافیک کلان‌شهر‌ها فاصله دارد. در مدت محدود آموزش هم فقط می‌توان مقدمات رانندگی مثل آموزش پدال‌ها، دنده کشی، دور یک فرمان و دو فرمان و پارک دوبل را یاد داد. متقاضیان معمولاً در روز روشن و یک فصل خاص آموزش می‌بینند. فردی که در تابستان آموزش می‌بیند مهارت رانندگی در هوای بارانی و برفی زمستان را یاد نخواهد گرفت و بنابراین شاهد بسیاری از تصادفات در فصل سرما هستیم.

عدم رعایت فاصله

مدیر هیأت رئیسه کانون آموزشگاه‌های رانندگی کشور در پاسخ به این سؤال که بیشترین تخلفات رانندگان ایرانی در چه زمینه‌هایی است، می‌گوید: رعایت نکردن فاصله، بزرگ‌ترین معضل رانندگی در کشور ماست که متأسفانه باعث تخلفات و تصادفات زیادی می‌شود و البته راهکار آن بسیار ساده است. صرفاً لازم است راننده مستقیم رانندگی کند و اگر راننده دیگری جلوی او پیچید یا مسیرش را یک کرد، سریع نیجبد. این موضوع نیاز به آموزش و تمرین دارد. در بسیاری از کشور‌ها برای رعایت نکردن فاصله جریمه‌های بازدارنده سنگینی وجود دارد؛ البته در این زمینه با خلاء قانونی هم مواجه هستیم که باید در چند دفعه آن باشیم. مثلاً قانون می‌گوید راننده باید پشت خط عابر توقف کند اما میزان دقیق آن را مشخص نکرده است.

متأسفانه تعامل بین پلیس راهور و کانون آموزشگاه‌های رانندگی کم است. مادر آموزش، دستی در کار داریم. اگر قبل از ابلاغ هر دستورالعملی نظرات مشورتی ما را هم بخوانند قطعاً به نفع‌اند.شن فرهنگ ترافیک کمک خواهد کرد. ما می‌توانیم پخشنامه‌های صادرشده را ارزش‌یابی و معایب و محاسن آن را بررسی کنیم و خودمان هم برنامه ارائه دهیم؛ البته از سال ۱۳۸۰ ما در تصمیم‌گیری‌های کلی، اظهارنظر می‌کردیم که متأسفانه تا سال ۱۳۹۲ این تعامل از بین رفت. اخیراً پلیس راهور تلاش می‌کند این همکاری را دوباره برقرار کند و قرار است سهم آموزشگاه‌های رانندگی در حوادث رانندگی سنجیده شود، اما باید توجه داشت این طرح زمانی کارایی لازم را دارد که آموزشگاه‌ها بتوانند در آموزش و نظارت بر آزمون اختیار داشته باشند.

وی می‌افزاید: با وجوداعتقاد به اهمیت آموزش، صنف‌های مختلف مانند تاکسیرانی، مساجد از طریق بسیج، خورسواتی و پادگان‌ها هر یک برای خود آموزشگاه رانندگی افتتاح می‌کنند، بدون آن‌که مجوزی از ما دریافت کنند و این موضوع، کیفیت آموزش را زیر سؤال می‌برد. با این‌که شرکت‌ها در کلاسی دست و پنجه نرم می‌کنیم، اما ابزار کار مربیان ما در آموزشگاه‌ها، خودرو است، ولی به سه‌همیه سوخت این‌عزیزان زحمتکش هیچ توجهی نشده است. مربیان آموزشگاه‌ها هنوز بیمه نیستند و دستمزد مشخصی ندارند. سختی کار به علاوه این مشکلات، بی‌انگیزگی ایجاد می‌کند. وقتی از اهمیت آموزش سخن می‌گوییم، باید به آموزش‌دهندگان هم بها بدهیم و حداقل‌های لازم را برای آنان فراهم کنیم. باز هم تأکید می‌کنم که باید به مربیان اختیار بدهیم و سپس عملکرد بخواهیم. آموزش اندک، هزینه‌ها و خسارت‌های بسیاری هم از نظر مالی و هم از نظر جانی در پی دارد؛ حوادثی که ممکن است جبران‌ناپذیر باشد.



زهره گردان

ما ایرانیان در رعایت آداب معاشرت زبانزد هستیم و بیشترین احترام را به میهمان، دوست و همسایه می گذاریم. هنگام عبور و مرور از مکان‌های مختلف به دیگران تعارف می‌کنیم، موقع استفاده از آسانسور گاه آن‌قدر در این کار زیاده‌روی به خرج می‌دهیم که در بسته می‌شود. اصولا تعارف و احترام دو وجه جدایی‌ناپذیر از شخصیت ما ایرانی‌ها محسوب می‌شود، البته تا زمانی که پشت فرمان خودرو نشسته باشیم.

نمی‌دانم چرا وقتی در هیبت راننده ظاهر می‌شویم هم شخصیت و هم ادبیاتمان تغییر می‌کند. وقتی سکان خودرو در دستانت هست، نه تعارف معنا دارد و نه احترام. توقف کردن و راه دادن به رانندگان دیگر هم کاملا پوچ و بی‌معناست. اینجا میدان سابقه‌ها است و هر راننده یک رقیب محسوب می‌شود. باید هر فضای خالی که پیدا شد زودتر از دیگران آن را پر کنی و برای رسیدن به محل کار، میهمانی یا مقصد سفر با بالاترین سرعت از سمت راست سبقت‌گیری و هزار راه غیرقانونی را بگذرانی تا پیروز میدان شوی. اپلیکیشن(برنامه)‌های راهیاب هم برای دور زدن دوربین‌های کنترل سرعت و پلیس، دستان یاریگری محسوب می‌شوند که نباید از آن‌ها غافل ماند.

خلاصه این‌که اگر بسازی را این‌گونه جلو نبری، از قافله عقب می‌مانی و متهم می‌شوی به این‌که زرتنگ نیستی و رانندگی حرفه‌ای رانمی‌دانی؛ تا جایی که «هشدار جدی نسبت به رانندگی خطرناک ایرانیان» تبدیل به یکی از بخش‌های جدایی‌ناپذیر کتابچه‌های راهنمای جهانگردان در کنار معرفی جاذبه‌های گردشگری کشورمان شده است. این‌که چرا ما ایرانیان این‌گونه رانندگی می‌کنیم دلایل متعددی دارد که در گزارش پیش‌رو به آن دلایل می‌پردازیم.

رانندگی محصول شرایط است

دکتر پرویز اجالایی، جامعه‌شناس، معتقد است چیزی به اسم فرهنگ رانندگی ایرانی وجود ندارد و نمی‌توان از شیوه رانندگی ذاتی ایرانیان یا اعراب یا هر ملت دیگری سخن گفت.

دکتر پرویز اجالایی

جامعه‌شناسان باذات‌گرای(ی فرهنگی(Cultural Essentialism) مخالفند و رفتار مردم را در هر زمینه‌ای از جمله رانندگی، محصول شرایط و تجربه تاریخی آن جامعه می‌دانند. از نظر جامعه‌شناسان، فرهنگ، روش‌های رفتاری است که باعث ایجاد نظم اجتماعی می‌شود و این نظم در واکنش به شرایطی که در هر دوره زمانی و برای هر نسلی از پیش تعیین شده است، ایجاد می‌شود؛ به این ترتیب که مردم با به سخن دیگر اعضای هر فرهنگ با توجه به شرایط، روش‌های رفتاری را که منعفت بهینه برای آنان دارد در پیش می‌گیرند و به‌دنبال آن نوعی مذاکره پنهان میان اعضای فرهنگ درمی‌گرد و گروه بزرگی از مردم بر سر رفتار خاصی توافق می‌کنند و با تکرار رفتاری که به مذاکره پنهان مورد توافق قرار گرفته است، نظم اجتماعی عینی را به وجود می‌آورند.

این نظم در موارد بسیاری ممکن است با نظم آرمانی که در کتاب‌ها و قوانین آمده سازگار نباشد اما به هر حال نظمی است برپاشته شده توسط فرهنگ که واقعی است.

فرض کنید در شهری زندگی می‌کنید که خیابان‌هایش خلوت است. ۲۰درصد خودرو شخصی و ۸۰درصد وسایل نقلیه عمومی رفت و آمد می‌کند. در چنین شرایطی شیوه رانندگی افراد به احتمال زیاد بدون استرس و قانونمند خواهد بود و پلیس هم می‌تواند به خوبی آمد و شد اتومبیل‌ها را کنترل کند.

حالا اگر شرایط تغییر کند و شاهد حضور ۸۰درصد خودرو شخصی و ۲۰درصد وسایل نقلیه عمومی باشیم و به‌دلیل رشد سریع تعداد خودروها در شهر و اجزاشدن و گاه غیبت قوانین توسعه شهری، در شهر فضای کافی برای عبور و مرور و راه رفت اتومبیه‌ها وجود نداشته باشد، رانندگان شروع به کشف راه‌هایی برای استفاده بهتر از اتومبیل خود می‌کنند. مثلا برای حل مسأله جای پارک، دوبله توقف کرده یا هر جا بتوانند اتومبیل خود را پارک می‌کنند؛ حتی درایستگاه‌های اتوبوس. این رفتار توسط سایر رانندگان الگوبرداری می‌شود و این زنجیره ادامه می‌یابد.

به یاد بیاوریم که تا دوسه سال پیش کمترین رانندگی در تهران در ایستگاه‌های اتوبوس پارک می‌کرد اما به‌مرور که مشکل جای پارک پررنگ‌تر شد، هم‌اکنون در نقاط شلوغ شهر، شاهد پارک خودروها در ایستگاه‌های اتوبوس هستیم.

حالا اتوبوس‌ها برای پیاده کردن و سوار کردن مسافر کنار نمی‌کشند بلکه وسط خیابان مسافران سالمند و کودک را پیاده می‌کنند، چون کنار خیابان یک‌سره به پارکینگ اختصاصی یا عمومی اتومبیل‌های شخصی تبدیل شده است و این وضعیت که ما آن را بی‌نظمی می‌خوانیم در واقع چیزی نیست جز سازگاری مردم با شرایطی که در آن در طول زمان، سهم اتومبیل‌های شخصی در شهر از سهم وسایل عمومی پیشی گرفته است.

این جامعه‌شناس باتجربه در واکوی مسأله می‌گوید: علت این مشکل فقط و فقط سیاست حمل و نقل شهری غلطی است که دولت‌های ایران در ۶۰عسال گذشته بدون انقطاع درپیش گرفته‌اند و آن هم سیاست حمایت و تشویق حمل وقل با اتومبیل شخصی و بی‌توجهی یا توجه ناکافی به وسایل حمل و نقل عمومی است.

ابتدائالسنه‌های اسبی بزرگ و دوطبقه که به آن‌ها «منیبوس» می‌گفتند، نقش اتوبوس‌های امروزی را ایفا کردند. خیلی زود ریل به کمک حمل و نقل شهری آمد و کالسکه‌های اسبی روی ریل حرکت کردند. سپس تراموا یا قطارهای شهری با سوخت بخار و سپس زغال‌سنگ در شهرهای اروپا و سپس آمریکا رایج شد. دیری نگذشت که زغال‌سنگ جای خود را به الکتریسیتی‌ده و قطارها و اتوبوس‌های برقی ریلی شهرهای اروپایی را پر کردند.

با افزایش تولید فراورده‌های نفتی، اتوبوس‌ها و تاکسی‌ها و حتی قطارهای بنزینی رواج یافتند. نتیجه این شد که در آغاز قرن بیستم همه شهرهای مهم اروپایی ایستگاه‌های قطار متعدد شمالی و جنوبی و شرقی و غربی داشتند.

نتیجه‌ای که از این بحث تاریخی می‌خواهم بگیرم این است که با آغاز گذر دموگرافیک (جمعیتی) در اروپا که با افزایش شتابناک جمعیت و مهاجرت وسیع به شهرهای بزرگ شناخته می‌شود، با رشد تکنولوژی وسایل نقلیه عمومی روبه‌رو هستیم و این رشد هماهنگ جمعیت و وسایل نقلیه عمومی برون‌شهری و درون‌شهری یکی از عوامل بسیار مهم در توسعه اقتصادی و همچنین اقتدار و سلطه سیاسی کشور‌های اروپایی بود و سرعت مناسب جابه‌جایی بدون تراکم وسائیل نقلیه را برای شهروندان تأمین کرد و مانع کاهش کیفیت زندگی شهری شد، اما تا آنجا که به وسایل حمل و نقل شهری مربوط می‌شود، با وجود این‌که از اواخر قرن نوزدهم تولید اتومبیل سواری در آلمان و سایر کشور‌های صنعتی کلیل‌خورده بود، در تمام این دوران طولانی تعداد اتومبیل شخصی بسیار کم بود. این نوع اتومبیل‌ها به تعداد محدود و اغلب به‌طور سفارشی برای ثروتمندان و اعیان و مقامات دولتی ساخته می‌شد و صاحب اتومبیل آن زانمی‌راند، بلکه همه دارندگان اتومبیل شخصی، «شوفر» یا راننده شخصی داشتند.

اولین کشوری که در آن استفاده عموم مردم از اتومبیل شخصی رایج شد، آمریکا بود. هنری فورد در سال ۱۹۰۹ فورد مدل تی را با بهایی قابل پرداخت برای طبقه متوسط شهری به بازار فرستاد و این اتومبیل تغییر چشمگیری در زندگی طبقه متوسط مردم آمریکایی به‌وجود آورد. البته هنوز جاده‌ها مناسب نبودند و راننده‌های غیرحرفه‌ای در روزهای بارانی در گل قرو می‌رفتند. اتومبیل مردمی دیگری که در زمان جنگ جهانی دوم در آلمان ساخته شد اما بعد از جنگ اقبال عمومی یافت، فولکس واگن به‌معنای خودرو مردمی بود.

سال‌های بعد از جنگ که اروپای غربی با کمک طرح مارشال (موقعیت‌امیزترین پروژه سیاست خارجی ایالات متحده آمریکا پس از جنگ جهانی دوم که به بسیاری از کشور‌های اروپای غربی کمک کرد تا اقتصاد خود را پس از جنگ بازسازی کنند) از فقر و رکود درآمد و رشد سریع اقتصادی شروع شد، سال‌های گسترش اتومبیل شخصی هم‌راه با ساختن بزرگراه‌ها و آزادراه‌ها در تمام کشور‌های صنعتی بود. حالا گذر دموگرافیک تمام شده بود؛ نه رشد جمعیتی در کار بود و نه مهاجرت به شهرهای بزرگ.

یک سامانه حمل و نقل عمومی کامل و کارا متشکل از مترو و

قطار شهری و اتوبوس و تاکسی در شهرها و یک نظام حمل و نقل سریع و کارآمد برون‌شهری متشکل از هواپیما و قطار و اتوبوس و احیاناً

کشتی تقریبا در تمام کشورهای صنعتی به‌وجود آمد. حالا اتوبان سازی و آزادراه‌سازی راه را برای جولان اتومبیل‌های شخصی باز کرده بود، اما حتی در این شرایط هم در برخی کشورها رشد وسایل نقلیه عمومی هرگز متوقف نشد.

در کشورهایی مثل ژاپن و آلمان، تمامی کشور از کوچک‌ترین روستاها تا کلان شهرها به وسیله شبکه راه آهن کارا و سریع به هم وصل هستند. در ژاپن سرعت قطارهای سریع‌السیر برون‌شهری به ۳۰۰ کیلومتر در ساعت می‌رسد و استفاده مردم از اتومبیل شخصی به‌خاطر گرانی بنزین و مالیات بسیار محدود است؛ البته در کشور قاره‌ای مثل آمریکا با شهرهای کوچک کم‌جمعیت، اتومبیل شخصی کاربرد وسیعی دارد، اما در آن‌جا هم در کلان‌شهرها سامانه حمل و نقل عمومی کارا و مؤثر است. در این کشورها هیچ‌گاه مسأله ترافیک و آلودگی هوا ابعاد خطرناک پیدا نکرده است.

برخلاف اروپا که گذر جمعیتی در آن از اواخر قرن ۱۸ یا اوائل قرن ۱۹ شروع شده بود در اغلب کشورهای درحال توسعه از جمله ایران این اتفاق بعد از جنگ جهانی دوم شروع شد. می‌دانیم نتایج گذر دموگرافیک، افزایش جمعیت، جوان شدن جمعیت و مهاجرت وسیع جمعیت ساکن روستاها و شهرهای کوچک به شهرهای بزرگ است که آن را به نام انفجار جمعیت می‌شناسیم.

بر اثر این پدیده، جمعیت ایران در فاصله سال ۱۳۳۵ تا ۱۳۹۵ از حدود ۲۰ میلیون به حدود ۸۰ میلیون نفر رسید (چهار برابر شد) و درصد شهرنشینی از ۳۰درصد به ۷۰درصد تغییر کرد. گذر جمعیتی در ایران هم اکنون تقریبا به پایان رسیده و نرخ رشد به‌شدت کاهش یافته و جمعیت رو به پیرشدن می‌رود و اگر مهاجرت به کلان‌شهرها به اندازه کافی متوقف نشده، به‌خاطر کسادی مزمن اقتصادی موجود است و نه

گذر دموگرافیک.

خوب حالا به سیاست‌ها نگاه می‌کنیم. در نیمه دهه ۴۰ خورشیدی

که فرایند گذر جمعیت درست در مرحله جهش و اوج‌گیری است و نرخ

رشد جمعیت به ۲/۷ می‌رسد، حمل و نقل عمومی هنوز بسیار عقب است،

راه‌آهن تقریبا همان راه‌آهن زمان رضاشاه است.

اتوبوسرانی درون‌شهری در بسیاری شهرها وجود ندارد و



دوشنبه ۲ دی ۱۳۹۸-سال نود و چهارم -شماره ۲۷۴۵۷

فرهنگ رانندگی ایرانی وجود ندارد!



ترافیک در تهران

می‌دانستند و می‌توانستند سیاست‌ها را از تحلیل مقایسه‌ای تاریخی و پیش‌بینی تحولات اجتماعی استنتاج کنند و نه با تقلید از کشورهای غربی، سا در تله‌ای که امروز در آن گیر کرده‌ایم، نمی‌افتادیم. حتی هنوز هم اکثر کسانی که این سیاست‌ها را طراحی کرده‌اند و می‌کنند مهندسانی هستند که از مسائل اجتماعی سردر نمی‌آورند.

اصلاح وضع موجود

دکتر اجالایی در پاسخ به این سؤال که برای اصلاح وضع موجود چه باید کرد، می‌گوید: اول آن که دولت باید تصمیم بگیرد؛ چرا که در دوره‌ای حمایت از خودروسازان یا حفظ سلامت و آسایش مردم قرار گرفته است. دولت یا باید قید صنعت خودروسازی را بزند یا این صنعت جنگ هشت‌ساله هم سیاست نگرفته اولویت اتومبیل شخصی باشد.

باید توجه داشت که اتوبان سازی صرفا استفاده از وسایل شخصی

را تشویق می‌کند. توسعه وسایل حمل و نقل عمومی راحت، ارزان و فراوان استراتژی مهمی است که باید موردتوجه قرار گیرد. این سیاست در شرایط عادی و نه تحریم و تورم در یک پروسه دهساله در دو مرحله پنج‌ساله امکان تحقق دارد. براین نکته تأکید می‌کنم که در شرایط تورم بالا و تحریم که هم‌اکنون در آن قرار داریم این سیاست عملی نیست، اما

در شرایط عادی، اصلاح وضع حمل و نقل شهری –همچون یک طرح ملی و نه مسأله‌ای مربوط به شهرداری‌ها– شدنی است.

می‌توان در مرحله اول با بهره بردن از سرمایه‌های بخش خصوصی داخلی، سرمایه خارجی، بودجه ملی و عوارض شهری در یک دوره پنج‌ساله به تقویت ناوگان حمل و نقل عمومی ارزان، راحت، همه جا حاضر و تکمیل‌کننده از قطار و اتوبوس و ون، ترجیحا برپایه سوخت غیر

بنزین پرداخت و در پنج سال دوم بنزین را برای اتومبیل‌های شخصی محدود کرد و با بستن مالیات بر بنزین و حمل و نقل با وسایل شخصی، حرکت با این وسایل را برای اکثریت مردم غیراقتصادی کرد.

دراین صورت افزایش قیمت بنزین تأثیری بر تورم نخواهد

داشت، زیرا وسایل عمومی مشکل بنزین ندارند و شبکه وسایل عمومی

ایجادشده درمرحله اول جابه‌جایی راحت مردم را در شهرهای بزرگ

آموزش اضافی برای متقاضی درخواست کنند و آموزشگاه‌ها این اختیار

حاصل کند دولت می‌تواند اندک اندک وسایل حمل و نقل عمومی را توسعه دهد و اجرای مرحله دوم را به شرایط مناسب اقتصادی و سیاست خارجی موکول کند.

رفتار رانندگان ایرانی

به نظر دکتر اجالایی رفتار رانندگان ایرانی بی‌عیب نیست، اما باید بدانیم این رفتار، محصول شرایط ایجادشده است. بزرگی شهرها و مسافت‌های طولانی و تراکم ترافیک به‌طور طبیعی استرس‌زا هستند و این استرس باید بیرون ریخته شود که خود را به‌صورت پا گذاشتن روی پدال گاز، سبقت گرفتن‌های بیجا، ویراژ دادن و به‌طور کلی آن‌چه که رانندگی عجیب و غریب نامیده می‌شود نمایان می‌کند. از طرف دیگر به‌مرور شکاف میان نظم اجتماعی آرمانی تجلی‌یافته در قانون و نظم اجتماعی واقعی پر ساخته توسط توافق‌های پنهان اعضای فرهنگ افزایش یافته و رانندگان قانون‌گریز شده‌اند.

وی دربراره این‌که چرا همین افراد قانون‌گریز وقتی مهاجرت می‌کنند در کشور‌های دارای رانندگی قانونمند، بهتر رانندگی می‌کنند، می‌گوید: نظم اجتماعی محصول رفتار بوده و رفتار هم مذاکره‌پذیر است؛ وقتی فردی وارد کشوری قانونمند می‌شود با دین رفتار دیگران خود را با آن قواعد رفتاری تطبیق می‌دهد تا بیگانه به نظر نیاید و انگشت‌نما نشود. از سوی دیگر معمولا مهاجران در همه کشور‌ها برای تثبیت موقعیت خود می‌کوشند رفتاری قانونمند داشته باشند و البته بعد از مدتی هم به به این شیوه زندگی کردند، ممکن است این شیوه رفتار در آن‌ها نهادینه شود.

پاسخ نهایی دکتر اجالایی این است که در شرایط استعمار سیاست‌های متناقض و غلط، آموزش فایده‌ای ندارد، چون رانندگی بد یا سخی به شرایط است. اگر شرایط اصلاح شود، فرهنگ رانندگی هم مستعداصلاح خواهدشد. ابتدا بایدسیاست‌ها اصلاح شود تا آموزش معنا پیدا کند. در شرایطی که نظم مذاکره‌شده میان مردم براساس توجه کمتر به قانون است و این شیوه مشکل فرد را حل می‌کند، آموزش تأثیر اندکی خواهد داشت.

نقش آموزش در رانندگی

اما وضعیت آموزش رانندگی در ایران چگونه است و چرا رانندگی افراد متاثر از آموزش که دیده‌اند، نیست؟

فرهاد حقیقی، مدیر هیأت رئیسه کانون

آموزشگاه‌های رانندگی کشور، در پاسخ به این سؤال که متقاضیان دریافت گواه‌ای نامه چند ساعت آموزش می‌بینند و آیا این میزان آموزش برای یادگیری کفایت می‌کند یا خیر، می‌گوید: از سال ۱۳۸۰ طرحی به نام «آموزش و آرایش» در آموزشگاه‌های رانندگی اجرایی شد؛ طرحی که مبنای آن آموزش ۲۴ساعته اجباری متقاضیان بود. قبل از آن چنین اجباری وجود نداشت و قرار شد به‌مرور معایب طرح برطرف شود.

کارشناسی‌ها و اسبیب‌فنا‌ن‌های ام‌ن‌اش‌ن‌ا‌د که‌ا‌م تصادفات و کشته‌شده‌های حاصل از آن‌ها از ۲۷هزار نفر در آن سال‌ها به حدود ۱۶هزار نفر در چند سال اخیر کاهش یافته که نقش آموزش در کاهش این آمار بسیار چشمگیر بوده است؛ اما باید توجه داشت که زمان آموزش محدود است و یک فرد نمی‌تواند صرفا در مدت ۲۴ساعت به یک راننده حرفه‌ای تبدیل شود. در ضمن استفاده یکسان نیست. یک فرد مسن در زمینه یادگیری قطعا با یک فرد جوان متفاوت است؛ در حالی که ساعت آموزش برای همه یکسان در نظر گرفته می‌شود. آزمون‌های رانندگی هم با‌هزینه ۱۰هزار و ۵۰۰تومان تقریبا رایگان است و بنابراین فرد به امیدقبولی بارها تلاش می‌کند در آزمون شرکت کند، در حالی‌که در بسیاری از کشور‌های دنیا اگر فردی دوسه بار در آزمون رانندگی رد شود، مورد تست روان‌شناسی قرار می‌گیرد.

وی دربراره این‌که چرا آن‌چه از آموزش در خیابان‌ها می‌بینیم با رانندگی افراد در خیابان‌ها تفاوت چشمگیری دارد، اظهار می‌دارد: علت آن است که در زمان محدود آموزش فقط موقع می‌شویم یک سری قوانین کلی را به متقاضیان دریافت گواه‌ای نامه آموزش دهیم، اما آموزش قوانین اصلا به معنای یادگیری رانندگی صحیح نیست؛ باید نحوه به‌کاربردن این قوانین یاد داده شود که موضوعی زمان‌بر است.

همه روان‌شناسان اعتقاد دارند که تغییر هر رفتار غلط ۲۱روز زمان می‌برد؛ این موضوع در رانندگی هم صدق می‌کند. درضمن برنامه آموزش رانندگی از سوی پلیس راهور به ما دیکته می‌شود و مربیان اختیاری برای اجرا ندارند؛ بنابراین کیفیت آموزش کاهش می‌یابد. تا سه‌چهار سال قبل مربیان می‌توانستند بنابرصلاح‌دید خود، چند ساعت آموزش اضافی برای متقاضی درخواست کنند و آموزشگاه‌ها این اختیار

را داشتند که گواهی مهارت برای فرد صادر نکنند تا او به سطح قابل قبولی برسد، اما متأسفانه با تنگ‌نظری برخی این اختیار هم برداشته شد و اکنون صرفا گواهی آموزش صادر می‌شود.

علی‌رغم اینکه مسؤولان اعتقاد دارند آموزش سهیم بسزایی در ارتقای فرهنگ رانندگی دارد، اما به نظر می‌آید در عمل اهمیت چندانی به این موضوع نده می‌شود. آموزش رانندگی بسیار آسان گرفته می‌شود و قابل قیاس با کشور‌های پیشرفته نیست. حتی کشور‌های حاشیه خلیج فارس هم حدود ۲۰ تا ۸۰ساعت آموزش برای متقاضیان در نظر گرفته‌اند. در برخی از کشور‌ها هم هزینه‌های آزمون را بالا می‌برند تا هر فردی نتواند شانس قبولی خود را به‌راحتی امتحان کند.

هم‌اکنون شاهدیم افرادی از کشور‌های افغانستان و حاشیه خلیج فارس برای آموزش رانندگی در ایران متقاضی هستند. حتی تعدادی از ایرانی‌های مقیم خارج از کشور هم به لحاظ پایین بودن هزینه‌ها در اینجا آموزش می‌بینند. البته نگفته‌نماند که ارزش پول ما پایین‌تر از سایر کشور‌هاست و همین موضوع، آموزش را برای آنان مقرون به صرفه می‌کند.

در بسیاری از کشور‌های دنیا آموزش رانندگی در شرایط مختلف روز، شب، سرما و گرما و یخبندان انجام می‌شود و در واقع محیط را شبیه‌سازی می‌کنند تا مهارت متقاضی به‌درستی سنجیده شود اما در ایران آموزش‌ها معمولا در محلات خلوت انجام و آزمون هم در محلی خلوت‌تر گرفته می‌شود که با رانندگی در اتوبان‌های پرترافیک کلان‌شهر‌ها فاصله دارد. در مدت محدود آموزش هم فقط می‌توان مقدمات رانندگی مثل آموزش پدال‌ها، دنده‌کشی، دور کپ فرمان و دو فرمان و پارک دوبل را یاد داد. متقاضیان معمولا در روز روشن و یک فصل‌خاص آموزش می‌بینند. فردی که در تابستان آموزش می‌بیند مهارت رانندگی در هوای بارانی و برفی زمستان را یاد نخواهد گرفت و بنابراین شاهد بسیاری از تصادفات در فصل سرما هستیم.

عدم رعایت فاصله

مدیر هیأت رئیسه کانون آموزشگاه‌های رانندگی کشور در پاسخ به این سؤال که بیشترین تخلفات رانندگان ایرانی در چه زمینه‌هایی است، می‌گوید: رعایت نکردن فاصله، بزرگ‌ترین معضل رانندگی در کشور ماست که متأسفانه باعث تخلفات و تصادفات زیادی می‌شود و البته راهکار آن بسیار ساده است. صرفا لازم است راننده مستقیم رانندگی کند و اگر راننده دیگری جلوی او پیچید یا مسیرش را یک کرد، سریع نیجبد. این موضوع نیاز به آموزش و تمرین دارد. در بسیاری از کشور‌ها برای رعایت نکردن فاصله جریمه‌های بازدارنده سنگینی وجود دارد؛ البته در این زمینه با خلاء قانونی هم مواجه هستیم که باید در چند دفعه آن باشیم. مثلا قانون می‌گوید راننده باید پشت خط عابر توقف کند اما میزان دقیق آن را مشخص نکرده است.

متأسفانه تعامل بین پلیس راهور و کانون آموزشگاه‌های رانندگی کم است. مادر آموزش، دستی در کار داریم. اگر قبل از ابلاغ هر دستورالعملی نظرات مشورتی ما را هم بخوانند قطعا به نفع‌شدن فرهنگ ترافیک کمک خواهد کرد. ما می‌توانیم پخشنامه‌های صادرشده را ارزش‌یابی و معایب و محاسن آن را بررسی کنیم و خودمان هم برنامه ارائه دهیم؛ البته از سال ۱۳۸۰ ما در تصمیم‌گیری‌های کلی، اظهارنظر می‌کردیم که متأسفانه تا سال ۱۳۹۲ این تعامل از بین رفت. اخیرا پلیس راهور تلاش می‌کند این همکاری را دوباره برقرار کند و قرار است سهم آموزشگاه‌های رانندگی در حوادث رانندگی سنجیده شود، اما باید توجه داشت این طرح زمانی کارایی لازم را دارد که آموزشگاه‌ها بتوانند در آموزش و نظارت بر آزمون اختیار داشته باشند.

وی می‌افزاید: با وجوداعتقاد به اهمیت آموزش، صنف‌های مختلف مانند تاکسیرانی، مساجد از طریق بسیج، خوروسرانی و پادگان‌ها هر یک برای خود آموزشگاه رانندگی افتتاح می‌کنند، بدون آن‌که مجوزی از ما دریافت کنند و این موضوع، کیفیت آموزش را زیر سؤال می‌برد. با این‌که شرکت‌ها در کلاسی دست و پنجه نرم می‌کنیم، اما کار مربیان ما در آموزشگاه‌ها، خودرو است، ولی به سه‌همیه سوخت این‌عزیزان زحمتکش هیچ توجهی نشده است. مربیان آموزشگاه‌ها هنوز بیمه نیستند و دستمزد مشخصی ندارند. سختی کار به علاوه این مشکلات، بی‌انگیزگی ایجاد می‌کند. وقتی از اهمیت آموزش سخن می‌گوییم، باید به آموزش‌دهندگان هم بها بدهیم و حداقل‌های لازم را برای آنان فراهم کنیم. باز هم تأکید می‌کنم که باید به مربیان اختیار بدهیم و سپس عملکرد بخواهیم. آموزش اندک، هزینه‌ها و خسارت‌های بسیاری هم از نظر مالی و هم از نظر جانی در پی دارد؛ حوادثی که ممکن است جبران‌ناپذیر باشد.



چهارراه فرهنگ

● دکتر منیژه مشیری*

فرهنگ در زبان فارسی دارای سه معنی تربیت و آموزش، واژه‌نامه و مجموعه ویژگی‌های یک قوم یا ملت است. در عبارت‌هایی مانند فرهنگ آپارتمان‌نشینی، فرهنگ رانندگی و فرهنگ عمومی، واژه فرهنگ معنی اول را می‌دهد.

معنی دوم این واژه در عبارت‌های فرهنگ دهخدا، فرهنگ معین و امثال آن دیده می‌شود.

اما معنی سوم فرهنگ، مفهوم بسیار گسترده‌ای است که شامل مجموعه‌ای از مشخصات یک قوم یا ملت، اعم از زبان، آداب و رسوم، دین و اعتقادات، هنر و ادبیات، کلیه قوانین و هنجارهای جامعه و مواردی از این دست می‌شود.

نویسندگان در این نوشتار به بررسی و آوردن مثال‌هایی واقعی از فرهنگ عمومی کنونی شهری مانند تهران می‌پردازد و مشاهدات و شنیده‌ها و خواننده‌های خود را در این مورد با خوانندگان محترم در میان می‌گذارد. قضاوت در مورد آسیب‌شناسی و راهکار ارائه شده در این نوشتار با خوانندگان محترم خواهد بود. لازم به ذکر است که در اینجا فرهنگ با معنی اول آن یعنی آموزش و تربیت به کار رفته و مترادف با عبارت هنجارهای اجتماعی (social norms) است.

به اول سرآشویی پیاده‌رو رسیدیم. آقای موقر سالمندی عصازنان از روبه‌رویم می‌آمد. هر دو به پله‌های پیاده‌رو رسیدیم. به‌خاطر درد زانو، پایین رفتن از پله برایم سخت بود. به حاشیه خیابان رفتم و آهسته و با احتیاط از کنار ماشین‌های پارک شده به راهم ادامه دادم. آن آقا هم که بالا آمدن از پله‌ها با عصا برایش دشوار بود کار مرا کرد. پس از چند ثانیه به هم رسیدیم و رودروی هم قرار گرفتیم.

او کت و شلوار خاکستری روشن به تن داشت. موهایش یکدست سپید و موهای ابروانش مخلوطی از سفید و سیاه بودند. چشمانی پیر و صورتی پر چین و چروک داشت. بین دو ماشین پارک شده کنار خیابان ایستاد تا راه را برای من باز کند که ماشین به من نرزد. در همین حال رو به من سری به تاسف تکان داد و گفت کار خطرناکی می‌کنیم ولی مجبوریم. بعضی از این پیاده‌روها مناسب سالمندان و معلولان نیستند. من در پاسخ به ایشان گفتم چند سال پیش در این منطقه طرحی به نام مناسب‌سازی پیاده‌روها برای سالمندان و معلولان اجرا می‌کردند و چند پیاده‌رو هم مناسب‌سازی شد ولی نمی‌دانم چرا آن را نیمه‌کاره رها کردند. آقای مسن با تاسف سری تکان داد و گفت ای خانم...

در همین لحظه یک موتورسوار که با سرعت زیاد در خلاف جهت ماشین‌ها در حرکت بود نزدیک ما رسید، سریع ترمز گرفت و بین دو ماشین پارک شده در کنار خیابان موتورش را به سختی پارک کرد.

آقای مسن رو به او کرد و گفت آقا فکر نمی‌کنی با حرکت در خلاف جهت ماشین‌ها هم خودت و هم سایرین را به خطر می‌اندازی؟ موتورسوار گفت معذرت می‌خواهم و در این ضمن کلاه ایمنی‌اش را بالا زد. به نظر میان سال می‌رسید.

آقای مسن با دیدن صورت او گفت شما دیگر چرا؟! اگر یک جوان بود می‌گفتم خطر را نمی‌شناسد و دارد جوانی می‌کند. شما دیگر چرا؟! باز موتورسوار با لبخند گفت ببخشید حق با شماست. پیرمرد سری با افسوس و تأثر تکان داد و با بغض گفت در طی سه سال گذشته دو نفر از دوستان هم‌سن و سالم را در حال رد شدن از همین خیابان به‌خاطر زدن موتور به آن‌ها از دست دادم. سپس هر یک با نگاه‌های متفاوت از کنار

هم گذشتیم.

زخم کهنه ذهنم سر باز کرد و یک‌به‌یک خاطره رویدادهایی که از دیرباز رفتار ترافیکی جامعه‌ام داشت بیرون ریخت. یاد پنج‌دهه پیش افتادم که چند خارجی که در شرکتی در تهران کار می‌کردند برای قوانین رانندگی در تهران آیین‌نامه‌ای به طنز نوشته و آن را به یکی از آشنایان من که همکارشان بود نشان داده بودند.

یکی از موارد آیین‌نامه آن‌ها در مورد حق تقدم بود که نوشته بودند در ایران در خیابان و جاده‌ها حق تقدم بر اساس کوچکی و بزرگی وسیله نقلیه تعیین می‌شود. اول حق تقدم با ده‌چرخ، بعد با کامیون، سپس با اتوبوس و بعد با اتومبیل‌های گران قیمت و سپس با اتومبیل‌های ارزان است! آن آشنا می‌گفت به روی خودم نیاوردم که پُر بی‌راه هم نگفته‌اند و در حالی که به شدت احساس ناراحتی می‌کردم فقط تبسمی تحویل آن‌ها دادم.

یاد مطالبی که طی چندسال گذشته در روزنامه‌ها از جمله روزنامه وزین اطلاعات خوانده بودم افتادم. خواندم که بر طبق آمار جهانی ایران سومین کشور از نظر تلفات رانندگی در جهان است.

اولین مقام را کشور هندوستان دارد که آن هم به خاطر مقدس بودن گاو در این کشور است. گاوها رها هستند و با آمدن ناگهانی به وسط خیابان موجب حادثه می‌شوند.

*** چند خارجی به ما گفتند ظاهراً در ایران حق تقدم ترافیکی بر اساس کوچکی و بزرگی وسیله نقلیه تعیین می‌شود!**

*** تعداد قابل توجهی از موتورسواران هم حق عابر**

پیاده را برای خود قائلند و هم حق ماشین‌ها را

*** واژه پلیس در یونان باستان به معنی «شهر» بوده و آن را به صورت پسوند در ترکیباتی مانند**

«مگاپولیس» به معنی شهر بزرگ می‌بینیم

خواندم که در مصاحبه‌ای با یک گروه چندنفره جهانگرد که در مسیر گردش دور دنیای خود به تهران رسیده بودند وقتی خبرنگار از آن‌ها پرسیده بود شما قبل از آمدن به ایران به کشورهای دیگری سفر کردید و با خطرهایی روبه‌رو شدید، آیا در تهران هم به مورد خطرناکی برخوردید، آن‌ها در جواب گفته بودند بله، رد شدن از خیابان‌های تهران!

باز خواندم که یک خبرنگار ژاپنی بعد از ترک تهران، در مقاله‌ای برای روزنامه‌اش نوشته بود رفتار ترافیکی در تهران برایم تازه و عجیب بود. برای مثال در یکی از میدان‌های بزرگ شهر، وقتی چراغ عابر پیاده قرمز بود دو پلیس مردم را مهار می‌کردند که برای رد شدن از خیابان جلوی ماشین‌ها نپرند و هنگامی که چراغ عابر پیاده سبز می‌شد از مقابل آن‌ها کنار می‌رفتند و آن‌ها را رها می‌کردند؛ درست مثل نگهداری چوپان از گله‌اش!

چندوقت پیش گذارم به تقاطع خیابان سعدی با خیابان جمهوری افتاد. می‌خواستیم از خیابان سعدی رد شوم. ایستادم تا چراغ برای عابر پیاده سبز شود.

موتوری‌های زیادی در خیابان به موازات ماشین‌ها در حرکت بودند. چراغ عابر سبز شد. در نهایت تعجب من، فقط تعداد کمی از آن‌ها پشت چراغ قرمز ایستادند و تعداد قابل توجهی بدون این که توقف کنند در هر طرف چهارراه که مسیرشان بود بدون توجه به سبز بودن چراغ برای عابر پیاده با سرعت حرکت می‌کردند.

با ترس و دلهره سعی کردم که تا چراغ عابر سبز است به آن سو برسم. خیلی مواظب این موتورها بودم که ناگهان یک موتور بی‌دون توقف پشت چراغ قرمز با سرعت سر رسید و به‌طور معجزه‌آسایی توانست در ۵۰ سانتی‌متری من ترمز کند و من مرگ را در چندقدمی خود دیدم! به‌نظر می‌آمد که این صحنه‌ها برایش عادی است. بی‌تفاوت دوباره به مسیرش ادامه داد و با سرعت در جهت خلاف ماشین‌های روبه‌رو از لابه‌لای آن‌ها گذشت.

ترسان به راهم ادامه دادم. تقریباً به انتهای خط عابر رسیده بودم که ناگهان یک موتور از پیاده‌رو وارد خط عابر پیاده شد و بی‌محاجا با سرعت از کنارم گذشت. متوجه شدم که در این گونه مکان‌های شهر باید مدام سرت را بچرخانی و تمام جهت‌ها را ببایی، چون چراغ راهنمایی برای عده‌ای از موتورسواران بی‌معناست.

یکی از نزدیکانم که دوره آنترنی را در بیمارستان سینا در چهارراه حسن‌آباد می‌گذراند می‌گفت طبق آمار بیش‌ترین مراجعه به اورژانس در این بیمارستان مربوط به تصادفات است که در اکثر آن‌ها یک طرف ماجرا موتور است؛ یا موتوری به عابر زده یا ماشین با او تصادف کرده است.

در تهران تعداد قابل توجهی از موتورسواران مرز نمی‌شناسند. آن‌ها هم حق عابر پیاده را برای خود قائلند و هم حق ماشین‌ها را. در همه‌جا با سرعت بالا می‌رانند، در پیاده‌روها، در خیابان‌ها در خلاف جهت خودروها. برای رفتن از سویی به سوی دیگر خیابان از خط عابر پیاده استفاده می‌کنند و بی‌محاجا از کنار عابران می‌گذرند.

این نابسامانی‌های خطرآفرین باعث شده من گاهی ناخودآگاه از هر موتوری که پشت چراغ قرمز می‌ایستد یا هر راننده‌ای که به محض دیدن خط سفید عابر پیاده ترمز می‌کند و اجازه می‌دهد عابران از خیابان بدون اضطراب و با ایمنی رد شوند، تشکر کنم؛ بگذریم که در بعضی خیابان‌ها خط‌کشی عابر پیاده چنان فرسوده و رنگ و رو رفته شده است که به‌ویژه به هنگام شب، به‌سختی تشخیص داده می‌شود.

بقیه رفتارهای ترافیکی این جامعه هم داستان‌های خودشان را دارند: پارک کردن چند ردیفه اتومبیل‌ها در مقابل مدارس به‌هنگام تعطیل شدن دانش‌آموزان و ایجاد راه‌بندان‌هایی که نشأت گرفته از خودخواهی و قانون‌گریزی است، ریختن زباله از پنجره ماشین به خیابان، سبقت از راست و به اصطلاح لایب کشیدن، ساعات آخر شب در بعضی خیابان‌های تهران با سرعت غیرمجاز کورس گذاشتن و بی‌هدف و به‌قصد تفتن با اتومبیل در مسیر معینی بالا و پایین رفتن و دور زدن که هم موجب آلودگی بیشتر هوا و هم اسراف در مصرف بنزین، این ثروت ملی می‌شود؛ بوق زدن‌های غیرضروری و در ساعات دیر وقت شب، مثل بوق زدن برای خداحافظی.

چند هفته پیش دوستی که دبیر بازنشسته است و از سفر تابستانی برای دیدن فرزندان به یکی از شهرهای آلمان بازگشته بود، تعریف می‌کرد روزی نوه چهار ساله‌ام را برای گردش به پارک برده بودم.



عکس‌ها: احسان کاظم‌لو





مته به خشخاش گذاشتن حساب می‌شود! تجربه هر بار نشان داده است که خود افراد جامعه تاوان این رفتارها و سهل انگاری‌ها را به فاجعه‌بارترین وجه پرداخته‌اند و از آن آگاه نیستند.

بهرآسانی در یک جامعه چه سازمان‌ها یا نهادهایی قرار است مسؤول آموزش فرهنگ عمومی یا به عبارت دقیق‌تر هنجارهای اجتماعی باشند؟ خانواده؟ اگر خود خانواده آگاه نباشد تکلیف چیست؟ مهد کودک؟ نظام آموزش و پرورش؟ وزارت ارشاد؟ وسایل ارتباط جمعی از قبیل تلویزیون؟ شهرداری؟ پلیس شهرداری؟ پلیس راهنمایی؟...

راستی واژه پلیس یعنی چه و ریشه آن از کجاست؟ در یونان باستان این واژه به معنی «شهر» بوده است و به صورت پسوند آن را در واژه‌های «مگاپولیس» به معنی شهر بزرگ و ترکیب‌های دیگری مانند «اکروپولیس» و امثال آن می‌بینیم. رفته‌رفته و به مرور زمان در اواخر قرن پانزدهم میلادی در کشورهایی مانند انگلستان این واژه به معنای صفتی مرتبط با خود شهر، یعنی «مقررات و نظم عمومی» به کار گرفته شد.

این کاربرد جدید، بیانگر یک حقیقت منطقی است: وقتی افراد در طول زمان، به‌طور بارز به این نتیجه می‌رسند که شهر جایی است که باید بر جنبه‌های مختلف زندگی در آن مقررات و نظم حاکم باشد، همپای این تفکر، تغییر در معنی واژه پلیس شکل می‌گیرد.

اگر تاکنون برنامه‌ریزی و تلاشی از طرف هر سازمان و نهادی برای آموزش فرهنگ عمومی انجام گرفته، برون داد و دستاورد آن نشان می‌دهد که چندان موفقیت‌آمیز نبوده است. شاید بهتر باشد برای چاره طرحی نو در انداخت.

امید آن که در سرزمین عزیز ما هم، نهادها و سازمان‌های مسؤول برای ملزم کردن شهروندان به رعایت موازین فرهنگ عمومی، آموزش را از همان زمان کودکی با استفاده از روش‌های جدید عملی و با کارایی بالا برنامه‌ریزی و اجرا کنند، تا شاهد رشد روزافزون تمام مؤلفه‌های آن، یعنی عملکردهای بهینه رفتاری، اخلاقی و تربیتی در جامعه باشیم. البته این قضیه سوسی دیگری نیز دارد که بحث این نوشتار نیست و آن توجه به ماهیت خود قوانین و مقررات است که باید منطقی، خردمندانه، عادلانه، به‌روز و قابل اجرا برای همه افراد جامعه با هر ویژگی وضع شده باشند.

* دکترای زبان‌شناسی

چون برای بازیافت می‌برند. اینجا بود که فهمیدم حق با دخترم است. از کوچه‌ای رد می‌شوم. مغازه‌داری با زحمت جلوی مغازه‌اش را جارو می‌کند و تمام آشغال‌های جمع کرده را درون جوی آب می‌ریزد. کمی پایین‌تر رفتگری برگ‌های پاییزی و آشغال‌های خیابان را جارو می‌زند و روانه جوی آب می‌کند. پی‌آمد این عمل موقعی نمایان می‌شود که باران می‌بارد و آب گرفتگی ناشی از بی‌توجهی در معابر مشکلات فراوانی برای شهروندان به‌وجود می‌آورد.

کف پیاده‌رو مقابل بعضی از ساختمان‌های گران‌قیمت را با سنگ‌های بسیار صاف صیقل داده شده براق پوشانده‌اند. این نوع سنگ‌ها اگر خیس شوند و ته کفش عابر پیاده ضد لیز خوردن نباشد باعث زمین خوردن می‌شوند. چنین پیاده‌روهایی برای افراد مسن به هنگام بارندگی بسیار خطرناک است.

*** شهر جایی است که باید بر جنبه‌های مختلف زندگی در آن مقررات و نظم حاکم باشد**
*** قوانین و مقررات باید منطقی، خردمندانه، عادلانه، به‌روز و قابل اجرا برای همه افراد جامعه با هر ویژگی وضع شده باشند**
*** بر طبق آمار جهانی ایران سومین کشور از نظر تلفات رانندگی در جهان است**

خانه‌های چند طبقه مد روز است. بر روی لبه بالکن بعضی از خانه‌ها بدون هیچ مهار و وسائلی مانند گلدان قرار می‌دهند. آیا فکر این را می‌کنند که در صورت وقوع زلزله به سر عابران پیاده چه خواهد آمد؟ نظارت بر این عملکردها به عهده چه سازمان و نهادی است؟

آیا اصولاً جامعه به این گونه عملکردها اهمیت می‌دهد و درباره آن فکر می‌کند؟ بعضی می‌پندارند بها دادن به این موارد و پیروی از مقررات جامعه، به دلیل ضعف شخصیت، بی‌شهامتی، ساده‌اندیشی و پایین بودن بهره هوشی است. به باور آن‌ها توجه به این امور، سختگیری بی‌مورد و

بعد از مدتی گردش از خوراکی‌هایی که از خانه برایش برداشته بودم شکلاتی به او دادم و او پذیرفت و خورد و کاغذ دور آن را در دستش مچاله نگه داشت. من که نمی‌خواستیم دستش خسته شود آن را از او گرفتم و به محض این که به باغچه‌ای رسیدیم که بوته‌های انبوهی داشت لای بوته‌ها رهايش کردم. نوهام این کار مرا دید و برآشفست و معترضان و غضب‌آلود آن را برداشت و در مشتش گرفت و چند دقیقه بعد به محض دیدن سطل زباله کاغذ شکلات را درون آن انداخت.

وقت بازگشت به خانه بود. از پیاده‌رو حرکت می‌کردیم که به محل تقاطع یک خیابان فرعی با خیابان اصلی رسیدیم. چراغ عابر پیاده قرمز بود. نوهام دکمه مخصوص عابر پیاده را نشان داد و به من فهماند آن را بزنم تا چراغ ما سبز شود و از خیابان فرعی رد شویم. وقتی دیدم در خیابان فرعی ماشینی نیست به حرف او اعتنایی نکردم و دست او را گرفتم که رد شویم.

او نیامد. دستش را به زور کشیدم. باز نیامد. با عجله بغلش زدم و او را که عصبانی و دست و پا زنان بود بی‌معطلی به آن سوی خیابان بردم و زمینش گذاشتم. او تا خانه از دست من عصبانی و در حالت قهر بود. شب که او خوابید دخترم کنارم آمد و گفت نوهام با عصبانیت و ناراحتی همه ماجراهای گردش امروز را برایش تعریف کرده و گفته به من قول بده دیگر مرا با مامان بزرگ به گردش نفرستی و بعد که خیالش راحت شده خوابیده است. دخترم گفت عصبانیت او از شما به دلیل مغایرت رفتارشان با آموزش‌هایی است که در مهد کودک به او داده‌اند.

سپس دخترم برآیم توضیح داد که مامان بعضی رفتارهای ما در اینجا ناهنجاری به حساب می‌آید. در این کشور به فرهنگ عمومی خیلی اهمیت می‌دهند و به همین جهت بسیاری از رفتارها مانند رفت و آمد در خیابان‌ها، قوانین رانندگی، آلوده نکردن محیط زیست، تفکیک زباله، پرهیز از اسراف، نظم و ترتیب و مهارت‌های زندگی و بسیاری از این قبیل را در سنین پایین به‌طور عملی آموزش می‌دهند، به طوری که هنجارهای صحیح اجتماعی در افراد از کودکی شکل می‌گیرد و نهادینه می‌شود.

دوستم گفت روز دیگری در خانه کاغذی را که لازم نداشتم در سطل زباله انداختم. بلافاصله نوه بزرگ‌ترم که در مقطع ابتدایی است به آشپزخانه آمد و کاغذ را از آن سطل برداشت و در مخزن مخصوص کاغذ انداخت و گفت مامان بزرگ می‌دانی برای درست کردن کاغذ چقدر درخت بریده می‌شود؟ خواهش می‌کنم کاغذ را در ظرف مخصوصش بیندازید،



عکس‌ها: احسان کاظم‌لو



آرامش‌گمشده

● محمد احمدوند*

این روزها زیاد به پارک نمی‌روم. راستش احساس خوبی ندارم وقتی موتورسوارها راحت آرامش مردم را به هم می‌زنند و با صدا و دودشان اعصاب مردم را خرد می‌کنند.

فکر نمی‌کنم خانواده‌هایی که بچه کوچک دارند جرأت کنند یک لحظه بچه را تنها بگذارند تا کیف کند. شنیده‌ام نیروی انتظامی و دادستان محترم ملایر کارهایی انجام داده‌اند اما مشکل هنوز حل نشده است.

بخشی از مشکل خود جوان‌ها هستند که می‌خواهند خودی نشان بدهند و البته یاد نگرفته‌اند به حقوق مردم احترام بگذارند. این جوان‌ها

تا تصادف نکنند یا بچه‌ای را زیر نگیرند متوجه رفتار خود نیستند و البته گاهی برای فهمیدن عواقب این رفتارهایشان دیر است. بخشی از مشکل هم کمبود فضاهای تفریحی و ورزشی در شهر یا گران بودن امکان استفاده از این امکانات است. به‌هر حال وقتی از جوانی چیزی را می‌گیریم باید چیز دیگری را جایگزینش کنیم.

اگر به پارک سیفیه رفته باشید حتماً نوجوان‌ها و جوان‌ها را دیده‌اید که دارند والیبال و بسکتبال و بدمینتون بازی می‌کنند. تعدادشان هم کم نیست. این بچه‌ها دارند از حداقل امکانات موجود استفاده می‌کنند. هرچند برای این کار هم مکان‌یابی درستی انجام نشده و بچه‌ها مجبورند در مسیر عبور مردم بازی کنند.

چرا نباید تعداد اماکن ورزشی عمومی و رایگان بیشتر باشد؟ شهر ملایر فضای لازم برای اجرای طرح‌های تفریحی و ورزشی را دارد.

اوقاف اگر بخشی از درآمد موقوفات را در این کار هزینه کند روح واقفین خوشحال‌تر خواهد شد. شهرداری اگر در اجرای طرح‌های این‌چنینی بیش‌تر هزینه کند مردم راضی‌تر خواهند شد. وزارت ورزش و جوانان و به تبع آن ادارات تابعه اگر بر ورزش همگانی تمرکز بیشتری داشته باشند مفیدتر خواهد بود.

ورزش قهرمانی مهم است. اصلاً هر جامعه‌ای به قهرمان احتیاج دارد اما عموم مردم هم باید بیشتر دیده شوند. اگر جلوی ریخت‌وپاش تیم‌های دولتی و مدیریت لحظه‌ای و فاقد تدبیر به‌ویژه تیم‌های فوتبال که اکثر قریب به اتفاق آنها با پول کشور اداره می‌شوند گرفته شود تحقق این امر کار آسانی است. به هر حال نمی‌شود جوان‌ها را به حال خود رها کرد و فقط به جانشان غر زد و به رفتارهایشان ایراد گرفت!

* مدرس دانشگاه و آموزش و پرورش

چهل سال پیش در همین روز

تمامی مطالب از روزنامه اطلاعات روز یکشنبه ۲ دی ماه ۱۳۵۸ (برابر با ۳ صفر ۱۳۰۰، ۲۳ دسامبر ۱۹۷۹) نقل شده است.

اصلاحات ارضی واقعی
باقاطعیت انجام می‌شود

دکتر عباس ششیانی سرپرست جدید وزارت کشاورزی و عمران روستایی در یک گفتگو با خبرنگار اطلاعات اعلام کرد: اصلاحات ارضی، واقعی با قاطعیت تمام انجام خواهد شد و ی همچین گفت: ما قصدمان این نیست که نظم زراعت را بهم برزنیم. بلکه کوششمان براینست که زراعتمان را به حداکثر خود کفایی برسانیم.

بازرگان، نامزد ریاست جمهوری است

در حالی که کاندیداهای ریاست جمهوری خود را برای رقابت فشرده برای انتخابات ریاست جمهوری آماده می‌کنند، مهندس مهدی بازرگان، نخست‌وزیر سابق انقلاب و عضو شورای عالی انقلاب که بیش از همه نامش به عنوان اولین رئیس جمهوری ایران مطرح است، در گفت‌وگویی با اطلاعات، در پاسخ این سؤال که آیا کاندیدای ریاست جمهور هست یا خیر؟ کاندیداتوری خود را رد نکرد و گفت از طرف خیلی‌ها، این امر به من تکلیف شده و من نمی‌توانم استنکاف و شانه خالی کنم.

هیکل: گروگان‌ها پس
از یک محاکمه آزاد خواهند شد

لندن - آسوشیتد پرس - روزنامه‌نگار مشهور مصری حسنین هیکل که چند روز پیش در تهران ملاقات‌هایی با آیت‌الله خمینی به عمل آورد طی مقاله‌ای در روزنامه ساندی تایمز نوشته است: ۵۰ گروگان آمریکایی اوایل سال آینده میلادی پس از یک محاکمه بلافاصله آزاد خواهند شد. هیکل در این مقاله که اختصاصی ساندی تایمز است اضافه می‌کند هدف اصلی مقام‌های ایرانی محاکمه شاه خائن و همدست او دولت آمریکاست.

ایران پزشک فلسطینی استخدام می‌کند

دکتر فاضل معاون وزارت بهداری در امور روابط عمومی امروز در گفتگویی با اطلاعات گفت: روز گذشته آقای قاضی‌الحسینی قائم‌مقام هانی الحسن نماینده سازمان آزادی‌بخش فلسطین در وزارت بهداری حضور یافت و ضمن ملاقات با مقامات این وزارتخانه اعلام کرد بدستور یاسر عرفات پزشکان فلسطینی آماده‌اند در اختیار ایران قرار گیرند و به طبابت اشتغال ورزند.

تصمیمات شورای انقلاب در مورد ارتش

ده لایحه در شورای انقلاب به تصویب رسید. بر اساس یکی از این لوایح قانونی کلیه کارمندان غیر نظامی قراردادی نیروهای مسلح جمهوری اسلامی به رسمی تبدیل می‌شوند و بموجب لایحه دیگر بکلیه دیپلمه‌هایی که مانند مشمولان عادی یخدمت سربازی اعزام می‌شوند ۲۵۰۰ ریال حقوق ماهانه داده می‌شود. همچنین در لایحه دیگری که به تصویب شورای انقلاب رسیده است درجه ارتشبدی از درجات ارتش جمهوری اسلامی ایران حذف شده است.

کلاس اسلام‌شناسی در وزارت امور خارجه

صادق قطب‌زاده، وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی ایران دیروز در مراسم افتتاح دوره آموزش اسلام‌شناسی وزارت امور خارجه خطاب به کارمندان این وزارت، مطالبی درباره اهداف وزارت امور خارجه در چهارچوب ایدئولوژی انقلاب اسلامی اظهارداشت و از جمله گفت: منظور از تشکیل این کلاس، بهم پیوستن و هم‌آهنگ‌ساختن عناصر جامعه و از بین بردن اختلافاتی است که حاصل فشارها، خفقتان‌ها و جنایاتی است که در گذشته، در جامعه بوجود آمده بود.

بهره‌برداری

از اتوبان جدید کرج - قزوین آغاز شد

بهره‌برداری از اتوبان جدید کرج، قزوین، ساعت ده امروز با حضور وزیر راه و ترابری در ایستگاه اخذ عوارض مهرشهر کرج، آغاز شد. طول اتوبان تهران - کرج که عملیات ساختمانی آن ۴ سال به طول انجامید ۹۴ کیلومتر است. عرض اتوبان کرج - قزوین نیز ۳۳ متر است که بصورت شش باندی بوده و در هر طول شانه‌های راه با ۳ متر آسفالت و ۵۰ سانتیمتر شنی با خط کشی مشخص شده است.

قاب امروز



بانوی سفالگر در نمایشگاه گردشگری و صنایع دستی پارس در شیراز / عکس از: رضا قادری

سرایه

می‌کند آن که علاج دل بیچاره من

کاش می‌داشت خبر از دل آواره من

از تماشای دو عالم نشود سیر نگاه

هر که گردید بدآموز به نظاره من

بس که سیراب شد از گریه من، می‌آید

کار سنگ‌یده از مهره گهواره من

صائب از اهل وفا پاک شد آفاق و هنوز

از جفا سیر نشد یار جفاکاره من

صائب تبریزی

امروز در تاریخ

دیپلمات و پژوهشگر فرانسوی وارد اصفهان شد

«فرانسوا پتی دو لا کروا» دیپلمات و پژوهشگر فرانسوی عصر لوئی چهاردهم ۲۳ دسامبر ۱۶۷۴ زمان سلطنت شاه سلیمان صفوی وارد اصفهان شد و دو سال در این شهر ماند. از کروا نقل شده است که گفته بود شنیدم و دیدم که برخی برای جلب اعتماد و اثبات مذهبی بودن، هنگام سجود انقدر پیشانی خود را بر مهر نماز می‌سایند تا کبود شود.

انتشار نخستین کتاب طنز

کتاب طنزها تألیف شاعر و فیلسوف رومی کویتوس هوراتیوس فلاکوس ۲۳ دسامبر سال ۳۵ پیش از میلاد در شهر رم به صورت نسخه‌های متعدد دستنویس انتشار یافت که باقی‌مانده است و هنوز مورد مطالعه کسانی است که لاتین می‌دانند.

اتحاد ناپلئونی اروپا و تحریم انگلستان

ناپلئون بناپارت در پی تصمیم سال ۱۸۰۶ خود در برلین که هرگونه تماس اروپای قاره‌ای با انگلستان قطع شود، هفدهم دسامبر ۱۸۰۷ در میلان ایتالیا منشور تحریم انگلستان توسط اروپای قاره‌ای را امضاء و اعلام کرد. این منشور کشورهای اروپای قاره‌ای را از هرگونه رابطه و تجارت با انگلستان منع می‌کرد.

نتیجه انقلاب‌های سال ۱۸۴۸ اروپا

انقلاب‌های سال ۱۸۴۸ اروپا که ماهیت چپگرایانه و لیبرالیستی داشت و عمدتاً با هدف برقراری عدالت اقتصادی - اجتماعی، ضدیت با استثمار فرد از افراد و تعدیل ثروت و نیز تأمین آزادی‌ها آغاز شده بود تا ۲۳ دسامبر این سال باعث شد در اتریش؛ مترنخ‌مردنر و منداروپا و صدراعظم آن امپراتوری، پس از چند دهه صدارت برکنار شده و امپراتور به سود پسر ۱۸ ساله‌اش کناره‌گیری کرد در ایتالیا؛ پاپ از واتیکان گریخته بود. در فرانسه؛ به تجدید حیات جمهوری منجر شد.

دبدار چرچیل با روزولت

چرچیل در مذاکرات ۲۲ دسامبر ۱۹۴۱ تا ۱۴ ژانویه ۱۹۴۳ خود با روزولت ضمن تکمیل طرح منشور اتلانتیک، به تنظیم مقدماتی استراتژی جنگ پرداخت. چرچیل از برنامه هیتلر به ساخت سلاح اتمی و موشکی و اطلاعات مربوط به پیشرفت‌های آلمان در این زمینه با روزولت سخن گفت تا او را قانع به ایجاد یک جبهه مشترک در غرب اروپا علیه آلمان کند که فرانسه، هلند، کشورهای اسکاندیناوی، لهستان و بالکان را در کنترل داشت.

www.iranianshistoryontoday.com

سودوکو

۲۶۳۹

			۷	۵		۳	
			۱	۳		۸	۲
						۶	
			۴			۸	
			۲	۱			
				۶			۱
				۴	۹		۸
			۵				۴
			۶			۳	۲
			۸			۵	
			۲				

۵	۷	۸	۶	۳	۹	۱	۲	۴
۱	۲	۴	۵	۷	۸	۶	۳	۹
۶	۳	۹	۱	۲	۴	۵	۷	۸
۸	۵	۷	۹	۴	۶	۳	۱	۲
۳	۶	۱	۸	۵	۲	۹	۴	۷
۹	۴	۲	۷	۱	۳	۸	۵	۶
۲	۸	۵	۳	۹	۷	۴	۶	۱
۷	۱	۶	۴	۸	۵	۲	۹	۳
۴	۹	۳	۲	۶	۱	۷	۸	۵

حل ۲۶۳۸

جدول شرح در متن

۵۱۵۲

غلامحسین باغبان

داستانی از	لقب حضرت	بزرگ علوی	وزش آبی	دشمن فرشته	از باز یهای
چ	علی (ع)	↓	↓	↓	↓
خانه ییلاقی					
شتر بارکش					
قیمت واحد					
خرس فلکی					
متواضع					
برادر					
گمراهی					
ضی					
آن است که					
خود بیود					
گونه					
ش					
بخیل					
بیامبر خوش					
صوت					
نامر بو ط و					
نامتناسب					
قوت لایموت					